



انقلاب پرشکوه
کارگران و زحمتکشان ایران
رژیم جمهوری اسلامی را به
گورستان تاریخ خواهد سپرد!

سال سوم - دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۰ - ۳۰ روز

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی،
ناقوس مرگ رژیم را به صدا در آورده است
مرگ آنان سرود
سرخ رهایی را رسا تر کرد!

۱- رفیق شهید محمود حسینی مقدم (سعید)
 ۲- رفیق شهید باقریزادانی (برزو)
 ۳- رفیق شهیدها شم کرمی
 ۴- رفیق شهید اسماعیل حسن وند

سخنران اخیر وزیر خارجه
امپریالیسم آمریکا و
افسانه ضد امپریالیست
بودن رژیم

چندی پیش! الکساندر هیگ وزیر
 امور خارجه دولت امپریالیسم آمریکا
 و یکی ازها رترین سیاستمداران
 آن، در مصاحبه‌ای پیرامون اوضاع
 ایران اعلام کرد، که "دولت آمریکا
 سیاستهایی را تعقیب میکند که منجر
 به روی کار آمدن رژیم مینا نه روشی
 در تهران شود که با منافع ارزشهای
 آمریکا سازگار باشد". این گفته
 "هیگ" مطابق معمول، از جانب
 محافل مختلف رژیم ارتجاعی
 جمهوری اسلامی، روی بیونیست‌ها و
 سوسیال امپریالیست‌ها، با تبلیغات
 و هیاهوی فراوان بعنوان "شاهدی"
 دیگر بر خصلت فدا امپریالیستی
 رژیم جمهوری اسلامی و ضد بیونیست
 طبقاتی امپریالیسم آمریکا با آن
 از این زاویه، علم گردید و تبلیغات
 عوام فریبانه‌ای پیرامون آن بپا
 شد. بطور کلی، وجود تضاذهای معینی
 بقیه در صفحه ۲

مقاومت انقلابی
نفتنگران مبارز
پالایشگاه
 در صفحه ۳

کارگران سایپا
در مقابل
یورش
ارتجاعی
 در صفحه ۴

بندر عباس:
یورش ارتجاع حاکم
به دهکده داران زحمتکش
 بقیه در صفحه ۹

شهادت سه رفیق پیشمرگه
قهرمان در کامیاران
برگ دیگری از جنایات حزب
دمکرات و مزدوران رزگاری
 در صفحه ۲۰

در این شماره می خوانید:

اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بترخاور در صفحه ۳
 گزارشی از کارخانه سایپا در صفحه ۴
 رویزیونیسم آراسته بانوماریف و بازتاب آن در میان ساتریست‌ها (۴) در صفحه ۶
 بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر و استقرار حاکمیت شوراهای در صفحه ۱۲

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱ سخنان.....

میان امپریالیسم آمریکا و ارتجاع
ما کمپرا بران و شکل گیری پیوستگی
میران سیاسی در زمان سبب و روابط
دیپلماتیک و سیاسی آنها، همواره
بمیان یک ابزار مواز امپریالیسم
برای پراکندن توهم "خلعت ضد-
امپریالیستی رژیم در میسبان
توده ها و نه تنها توده ها بلکه حتی نیرو-
های آگاه، مودینه برداری های فراوان
قرار گرفته است، در یک تحلیل عمومی،
این تنها شکر در رژیم بران نیست،
بلکه رژیم های متعددی که ویژگی
آنها، دارا بودن نوعی مسدود
و استیجائی آشکارا روسیاسی است
امپریالیسم است، و یا سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی و کشورهای
وابسته به آن، که تضادهای آن بسیار
امپریالیسم آمریکا از نوع تضادهای
درون امپریالیستی است، از این
وسيله برای پوشاندن ما هیت ضد
انقلابی خویش و پوشاندن اساس
ضد امپریالیستی برپیکر گنبدیده و
ارتجاعی خویش نمود میجویند،
کشورهای از نوع لیسی یا سوریه
والجزایر،... از این قبیل اند،
این کشورها در حالیکه وابستگی -
های فریاد اقتصاد به سرمایه -
داری جهان غرب دارند، و بسیار
مناسبات اما رتباری با سوسیال
امپریالیسم شوروی ایجاد کرده اند،
و در حالیکه نقش عمده را در سرکوب
و استعمار رگرا و رگرا و زمینکنان
داشته و کوچکترین اعتراضات آنها
را بشکل وحشیانه ای سرکوب
میکنند و بدترین نوع خفان را در
کشورهای خود برقرار ساخته اند،
ما کمپرا بران امپریالیستی و مردمی هر
چهره زده و این فریبکاری و پوششی
ضد امپریالیستی را به وسیله ای برای
ادامه بقا، و حیات سرمایه داری
جهانی بطور کلی و در کشور خود بطور
مشخص تبدیل نموده اند، رژیم
لیسی در حالی دم از مبارزه بر علیه
امپریالیسم میزند که تا روپوشود
اقتصاد نفتی اش بطور مریان به
کار رتلبهای نفتی امپریالیستی
وابسته است، الجزایر در حالی دم
از مبارزه ضد امپریالیستی میزند
که بطور مثال در همین یکسال گذشته،
بزرگترین قرارداد دگازی جهان را
با نرخ بسیار پایین ثمن ثری از نرخ
متوسط بین المللی آن با امپریالیسم
امریکا است، بطوریکه حتی سروصدای
هواداران پروپا قرص خود را که آن
را رژیم "ضد امپریالیست" قلمداد
میگردند، در آورده سوریه، اسپان
رژیم با اصطلاح ضد امپریالیست، هنوز
بیش از ۶۰ درصد مرادوات اقتصادی
- اش با امپریالیستی فریبسی
است و سبب کالاهای مصرفی و نیمه-
ساخته سرمایه داری غرب، بطور
مداوم و در ایامی فرا بنده به سمت
این کشور سرازیر است، و اینها همه

جلوه های از مناسبات اقتصادی
آنها با امپریالیستی فریبسی
است که خود دم از مبارزه با امپریالیسم
میزنند و خود را بیخودان همیشه مفضل
از این جهت،
اولا کشورهای از این دست
یکی از راه اصل "ها" می است که
سرمایه داری جهانی، چه نوع فریبسی
و چه نوع شرقی آن، برای قلمبه بسیر
میران سرمایه داری و جلوگیری از
آنها، چنانکه مل آن برای حفظ عیار و
حیاتش، بنا نهادن موقبل میشود، دوست
هما نظریه در طول تاریخ معاصر
اروپا، سوسیال دمیگرایی، میخوان
در همه اطمینان می برای فرو نشاندن
میران انقلابی در کشورهای ملوک
غرب، عمل میگرد، در مقاطع مختلف
او کمپری میران انقلابی و اقتصاد
در این جزایع و مفاصله با مسدود
غیرش بوده ای، از انقلاب ما در آستین
داختن یک تری و فریبها، ما به مدان
گذاشته است تا داری شفا بخشی
برای ضحاک سرمایه داری و میران
درونی آن باشد، که اکنون نیز به
نظر میرسد، اروپا، میروید که جنبشی
حالتی را ایجاد میگرد کند، و دوست
هما نظریه که "نهضت" کشورهای
اصطلاح غیر متعین، در او خردند، در
میلادی، دقیقاً بخاطر این است که
گذاشتن موج مبارزات او کمپری
پس از جنگ دوم جهانی با ترک گذاشتن
نه شرقی - نه غربی، و در واقع نه
کمونیسم، نه امپریالیسم، شکل
گرفت تا جهتگیری مبارزات توده-
ها را به سوی انقلاب و سوسیالیسم
جهانی، متوقف ساخته و در شکل
ظرفیت و معیالنه تری از گسستن حلقه
رنگبر کشورهای سرمایه داری جلوه
گیری کرد، و این کشورهای در بلوک
امپریالیسم نگاه دارند، اکنون بی-
شامل و با نگاه بی به سیاسی کشورهای
با اصطلاح غیر متعین، که اکثر آنها
وابسته به بلوک های مختلف
امپریالیستی هستند و با حفظ
نوعی استقلال نسبی جهانی، در
اردوگاه ارتجاع جهانی خویشی را
حفظ کرده اند، میخوان، مستسوا و
مضمون واقعی این نهضت، "کسب
شرقی - نه غربی" را مشاهده کرد،
سرمایه داری جهانی، بر زمینگاه
به چنین رژیمها و "نهضت های
نیازها را در دنیا آنها را تحمل میکند، تا
با از دست دادن برخی جنبه مسدود
تا گیتی، وقتی مهم، منافع اساسی
و استراتژیک و سیاسی خویش را در
عرضه کشورهای جهان حفظ نماید
در همان حال که با این کشورها را
تضادهای معینی نیز هستند، تا آنجا
که به امپریالیسم غرب مربوط می -
شود (بویژه امپریالیسم آمریکا)،
این مناسبات تا آنجا "مجاز" است که
اولا در این کشورها، امکان ایجاد
و با حفظ و بقای یک رژیم کاملاً
وابسته و مزدور و کاملاً مطلوب وجود

بنا شده با دشواریها، این رژیمها
میتوانند میران سیاسی را از میان
برده و "شفا" را به کشورهای زنگردا
و انقلاب را فرو نیندند، و با شفا
این رژیمها را اردوگاه امپریالیسم
غرب همچنان بنا نهاده و به سمت
اردوگاه رفیع یعنی سوسیالیسم
امپریالیسم شوروی خنجر و دین
فریب "رفیق" را بر "ما سبک" وی
ما کمپرا بران
در مورد رژیم جمهوری اعلامی و
مناسبات سیاسی امپریالیسم
آمریکا با آن نیز، همین سبکها
تاریخی میکنند، شکی نیست که رژیم
جمهوری اعلامی، از ابتدای استقرارش
نسبت به رژیمها، رژیمها و
کاملاً مطلوبی برای امپریالیسم
آمریکا نبود، اما منافع استراتژیک
آمریکا و نیز مناسبات قوای موجوده
و ترکیب اضدادی قدرت سیاسی و
نقش و جایگاه امپریالیسم در آن ایجاب
میگرد که در آخرین لحظات برگ رژیم
سلطنت، آمریکا به پای پیوستگی
سازش تا زمانی برای استقرار رژیم
جمهوری اعلامی، برود و چنین نیز کرد
همین از این جهت، رژیم امپریالیسم
آمریکا، با جزئیات مثبت و معایب و
شرایط مگانه فوق الذکر، به
بختیابی از این رژیم دست یازید
اما با گذشتن زمان، به تدریج اساس
واقعی روشن شد که میران سیاسی
چا همه ایران، بحرانی بوده است و
نیست بلکه، اما به گفته رژیم
جمهوری اعلامی، تا در به بهسار آن
نیست، در گذار این واقعه نهضت
شناختن قوای نیروهای درون حکومت
به زبان امپریالیسم که تا چنانکه
امپریالیسم غرب، دانشند و در فلسول
حیات فعال خود در دوره دولست
موقت به بهترین وجهی این را به
بنیادش گذاشته بودند، و به شفا
حزب جمهوری اعلامی، که هوا همان
شما قبل در میان بلوکهای امپریالیستی
بوده و حتی گرایش نیروی مندی در آن
نوعی شامل همه امپریالیسم شرقی
را مناسبت میگرد، نیز به تدریج
امپریالیسم غرب را به سمت تمارخی
بیشتر، رژیم جمهوری اعلامی، و
دست گرفتن از مناسبات فعال از آن
حل بستن به یک حکومت میانه رو
که در واقع شرایط مگانه فوق را
به چا همه ایران با زگرده اند، سرور
داد و این تمارخی از همان مقطع
سفرت که بر آفرینک میران
دیپلماتیک در مناسبات رژیم ایران
و آمریکا بود، شکل گرفت، و پیوستگی
درست از همان زمانیکه رژیم جمهوری
اعلامی، به یک رژیم برای چرخش
هوا مریان نه برای جلوگیری از سیر
روبه انحطاط با یگانگی در میسبان
شده ها از یک سو و تفرقه حساب میسبان
دو جناح اصلی حکومت از سوی دیگر
بود، بنیاد زنگردید، این حرکت در
بقیه در صفحه ۱۴

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بنزخاور

قسمت اتاق سازی شرکت اتومبیل سازی بنزخاور شنبه ۶۰/۸/۳ از کار دست کشیده و یکبارجه بطرف "شورا" رفته و خواهش آن افزایش ۲۵ ساعت یورسانت و گرفتن "حق نهار" ماه گذشته میشود. اعتماد دسته جمعی کارگران نصف روز طول میکشد بطوریکه تولید کارخانه نصف میشود. حرکت اعتراضی و اعتراضی کارگران در دونوبست دیگر با درجه کمتری تکرار میشود و کارگران با کم کاری و زدن پ تولید به مبارزه خود ادامه میدهند. شورا و مدیریت ضد کارگری که با اعتراض یکبارجه کارگران روبرو شده بودند از ادین پاسخ ظفره رفته و قرا راست بعد از با صلاح بررسی به آنها جواب دهند. آنچه که اهمیت دارد اینست که این مبارزه در قسمت مونتاژ کارخانه در دوره اخیر که با یورش فشرده رژیم جمهوری اسلامی مواجه است سابقه نداشته است. این حرکت دسته جمعی و قهرمانانه نشان میدهد که کارگران از خفقان و پاداران سرما به نمی هراسند و برای حقوق حقه خویش حاضرند قاطعانه مبارزه کنند. آنچه که در این حرکت دسته جمعی اعتراضی کارگران قسمت اتاق سنگین بنزخاور با بدبسته آن توجه کنند توضیح اهدافشان به کارگران ما بر بخش هاست. آنها با پیداستما کارگران کارخانه تماس گرفته و آنها را به اعتصاب همگانی فراخوانند.

مبارزه اگر فقط در یک بخش جریان داشته باشد دشمن آمانتر میتواند آنرا شکست دهد. همین خاطر کارگران بنزخاور با صفوفی متحد در مقابل شورا و مدیریت و پاداران سرما به با بدبسته را بگیرند. لازمه مبارزه و مقاومت علیه سرما به پاداران و دولت حامی سرما به داران اتحاد طبقه و فشرده کارگران است.

بجای وام مسکن کلوله پاسداران

صداها کارگر بعد از اینک

شنیدند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میخواهد به کارگران وام مسکن بدهد به بانک رفاه کارگران کرج مراجعه کرده و خواهش آن میشود. کارگران که جز استعمار بیشتر چیزی عایشان نشده است و فاقد رفاه زندگی میباشند و با رها در تجربه خود دیده اند که رژیم جمهوری اسلامی نهان میدهد و نه ممکن این بار نیز برای ممکن به کارگران رژیم رجوع نمودند. البته کارگران چندان امیدی نداشتند که دولت سرما به داری به همه کارگران وام مسکن دهد ولی به حال یکبارجه بد تجربه میکردند و می دیدند که رژیم حاکم، دشمن کارگران است. مسئولین دولتی و پاداران سرما به که با جمع صداها کارگر بی مسکن روبرو شده بودند و احتمال این را می دیدند که آنان به تحمل دست زنند، به سر نیزه متوسل میشوند. کارگرانی که در انتظار وام بودند با تفنگهای ژ-۳ پاداران مواجه میشوند. مدافعین سرما به داری به کارگران شلیک میکنند و در این حمله ضد انقلابی یک کارگر قهرمان به شهادت میرسد. ۳ کارگر دیگر زخمی و مجروح میگردند. کارگرانی که در مقابل بانک تجمع نموده بودند در مقابل تیراندازی شدید پاداران جنا پتکار با کینه ای بس بزرگ علیه سرما به داری و رژیم حاکم متفرق میشوند.

انگاس این واقعه در کارخانه نجات نزدیک به کرج بخصوص کارخانه "لندور" بسیار زبا بدود. کارگران "لندور" در طی دو روز دوباره ممکن و کشتار کارگران توسط پاداران رژیم محبت میگردند. کارگران میگفتند: "اینها در حرف دم از مستضعف میزنند در حالیکه خودشان مخالف سر سخت ما هستند" و پس در خطاب به دولت حاکم میگویند: "اگر شما طرفدار مستضعف هستید چرا بجای وام کلوله به ما میدهند. در حقیقت کارگران با این سخنان افشاگرانه ما هیت صدکارگری رژیم را بر ملا کرده و روحیه همبستگی طبقاتی با سایر کارگران را بنما میبخش میگذارند. تنها حمضا انقلابی پاداران به کارگران یکبارجه بد تجربه نه تنها به کارگران تجمع کنند بلکه به علاوه به کارگران دیگری که در جریان این واقعه قرا گرفتند نشان دادند که رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی قادر نیست خواسته های حق طلبان کارگران را پاسخ گوید و جز ستم و استعمار بیشتر و جگر کلوله چیز دیگری به کارگران نمیدهد. آزادی واقعی کارگران فقط و فقط دروسیالیم است.

یورش ارتجاع به کارخانه "دیو"

روز پنجشنبه ۶۰/۷/۱۶ بعد از پایان کار وقتی کارگران سوار سرویس شده و میخواهند کارخانه را ترک کنند، دژبان در مانع از این کار شده و کارگران از ساعت ۱۱/۵ تا ساعت حدود ۲ معطل می ماندند و هر چه علت را جویا میشوند کسی به آنها جواب نمیدهد. بالاخره کارگران بدون آنکه دلیل دوا علت معطلی را بفهمند اجازه می یابند که به خانه بروند. کارگران روز شنبه که به سرکار می آیند متوجه میشوند که تن از کارگران مبارز کارخانه را دستگیر کرده و به زندان اوین برده اند. (البته در اوایل همان هفته دو تن دیگر از کارگران را دستگیر کرده بودند) کارگران دیدند که تمام کمدها شکسته و زری شده اند. از آن روز به بعد جو خفانی در کارخانه حکمفرماست. در ورودی بدن تمام کارگران را میگردند و آنها را کنترل میکنند، در حین ساعت کار کارگران نمیتوانند به کارگاههای دیگر رفت و آمد کنند، تمام توالتها ما مورد ارد، برای کمدها قفل جدید گذاشته اند و یک کلید کمدها را پیش خود نگا میدارند تا در موقع ضروری به با زری کمدها بپردازند و غیره. کارگران کارخانه شیدا سبت به این جو خفقان و یورش ارتجاع اعتراض داشته و از دستگیری دوستان کارگر خود معترض میباشند.

مقاومت انقلابی

نفتگران مبارز پالایشگاه

چنانکه در خبرنا ماه ۱۶ آمده است: با صدور اطلاعیه ای از سوی عرصی حلامنی سراضه شدن ساعت کار به ۲۴ ساعت در هفته و لغو تعطیلی پنجشنبه ها و همچنین قطع حق کارگاهی، صدای اعتراض نفتگران مبارز از هر سو بلند میشود و اکثریت کارکنان پنجشنبه به سرکار حاضر میشوند. اینک رژیم که در مقابل مبارزات دلورا نه نفتگران مبارز در مانده و زیون گردیده است چنانکه تهدید خود را از آستین دادگاه انقلاب اسلامی شیراز بیرون آورده و بخش نامه ای صادر کرده است که اگر کارگران در سرکار حاضر شوند چنان و چنین جوا هم کرد و اخراجشان خواهم کرد!

در تاریخ ۶۰/۷/۸ رویای قسمت های مختلف نامه پیدادگاه ضد انقلاب را آورده و برای کارکنان

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



هر قسمت خواندند (متن نامه در همین خرنامه آمده است) در بالای نامه جمله ای با این مضمون نوشته شده بود که "بخشنا مه را خوانده و امضاء بفرمائید" رویای مزدورگه از با بیداری کارکنان برای حفظ خواسته بحق خود و نفرت علیه مزدوران حکومتی یحوی اطلاع دارنده به ری کاری متوسل شده و اعلام میکنند که امضاء برای این است که با اصلاح نامه را شمل خوانده اند و نه اینکه متن آنرا هم قبول دارند!! و بدین وسیله عده ای را گول زده و از آنها امضاء میگیرند. در این میان نماینده شورای اسلامی که یک خاشن بوده ای است به خوشتر قمی پرداخته و با توپل به همین حیل سنی میکند از کارکنان امضاء بگیرد. اکثریت کارکنان متن مذکور را امضاء کردند در ساعت ۳/۳۰ دقیقه همین روز هنگامیکه کارکنان محو استند به خانه بازگردند یک ژاندارم مسلسل بدست و یک گاردی در مقابل جاده ایستاده و به اتوبوسها اجازه حرکت نمیدادند. بعد از چند دقیقه یک جیب اتوبوس تعدادی با سار به آنها ملحق شده و در مقابل ایستگاه ایستاده و بداخل یک اتوبوسها رفته و به کمک یکی از انجمن اسلامیهای پالایشگاه، اسامی عده ای را خوانده و در حدود ۸-۷ نفر از کارکنان مبارز را دستگیر کرده و با خود میبرند!

از رژیم صمد مردمی جمهوری اسلامی که هر روز خون پاکترین فرزندان کارگران و زحمتکشان را بجرم دفاع از آزادی و انقلاب سر زمین میزید پیش از این انتظاری نیست!! سرما به داران خوشحور که از شیر بهان زحمتکشان کسه گشا خود را پیر میکنند با بد که کارکنان مبارز را صدا انقلابی بداد بدودسته دسته آنها را اخرج کنند!

نفتگران انقلابی!! متحد و یکمدا، مبارزه برای کسب خواسته بحق خود ۴۰ ساعتکار در هفته را گسترش داده و بیگیرانه برای آزادی همکاران در بند خود با زکشت کارکنان اخرجی به سرکار به مقاومت برخیزیم.

کارگران سایپا در مقابل یورش رژیم ارتجاعی

کارگران سایپا که ما ننند کارگران سراسریان در ظرف ۲/۵ سال حکومت رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی روز بروز بیشتر پی به ماهیت فدکا رگری و استثماری

آن می برند، با آنها هم سرکوبگرانه و وحشیانه آن که از تاریخ سی ام خرداد بصورت موجی از اخرجیها و دستگیری و زندان و اعدام مشخصی شد، تقریباً آخرین بقایای توهمنان هم زدوده شد و چهره کربسه سرما به داری و ابسته را عریان تر دیدند. موج ناراضی ها در کارخانه عمومی است و این نفرت و کینه که کارگران بخدی است که غالباً در برابر انفجار دفتر حزب جمهوری و انفجار رنخت و زیری و ترورهای عناصر منفور رژیم، ابراز شادی میکنند و تقریباً اکثریت کارگران آرزوی مرگ و نابودی سردمداران رژیم را در دل دارند. کارگران این کارخانه در صحبت های خود نشان میدهند که دیگر کوچکترین امیددی ندارند که به بودی در وضع حالشان بوسیله حکومت جمهوری اسلامی ایجاد شود. شاید این موضوع را از دهان حزب الهی های کارخانه بهتر بتوان دریافت: تعدادی از حزب الهی ها هم میدانند از رژیم حاکم قطع شده و میگویند "مگر امام زمان بیاید و اوضاع مملکت را درست کند و گرنه کسی نمیتواند این وضع را درست کند". میزان نفرت و کینه کارگران را از روی شعرهایی که روی درودیوار دست شوشی ها و توالتهای کارخانه نوشته شده و اکثریاً مفهوم "سرگ بر خمینی" می باشد بر احتی میتوان پی برد. اخیراً مزدوران رژیم مجبور شده اند که تمام دست شوشی ها و توالتهای ارتجاعی کنند و بول توده های انقلابی "تنگ با رنگ پاک میشود".

اما با وجود این روحیه ناراضی و معترضی عموم کارگران، بدلیل نبود هیچگونه تشکلی در میان کارگران و ضعف آگاهی مبارزاتی کارگران، این اعتراضات اغلب بصورت فردی و ابتدائی و بشکل "خرا بکارانه" ظاهر میشود. چنانچه از بعد از ۳۰ خرداد در این طرف چندین مورد خرابکاری در دستگاها و تولید مثا هده شده است از قبیل قاطی کردن آب با بادودر نتیجه خوابیدن بمدت ۲ ساعت کار دستگاها یا بادی کارخانه، البته انجمن اسلامی در این مورد یکی از کارگران را لکه بنظر عموم کارگران کارخانه بی ارتباط با خرابی دستگاها بوده است دستگیر نموده است و بمدت ۶ ماه زندانی برایش بریده اند.

مواردی از خرابکاری احتمالی مثلاً پوست خربزه گذاشتن در دستگا نقطه جوش و خوابیدن تولید بمدت ۲ ساعت، خرابی دستگا قیر باشی و جرقیللهای خط تولید... البته بعننت فشار کاری که به کارگران وارد میشود و وجود خسوف خفان و ترس که مبارزه دسته جمعی را بسیار محدود میکند تا بدین نوع حرکات فردی و "خرا بکارانه"

کارگران طبیعی با شدولی کارگران آگاه و وظیفه دارند که اعتراضات و مبارزه کارگران را از این مسیر تغییر داده و به سطح مبارزاتی وسیعتر و عمومی تر نظیر کم کاری و مقاومت عمومی در مقابل افزایش تولید... برسانند. مدیریت کارخانه و انجمن اسلامی که برای تفرقه انداختن در میان کارگران و شکست مبارزات آنها و جلوگیری از حرکت دسته جمعی و عمومی کارگران کارخانه مرتباً به شایعه پراکنی در کارخانه می پردازند، میکوشند تا از این طریق مانع مقاومت عمومی کارگران در مقابل افزایش تولید گردند مثلاً بین دو قسمت نقاشی و خط تولید مرتباً بوسیله انجمن تفرقه اندازی میشود. اما افشای داشمی این توطئه های فدکا رگری انجمن و مدیریت... بوسیله کارگران آگاه کارخانه زمینیه مناسبی برای غنشی کردن آنها و برعکس ایجاد تشکل و همبستگی در میان کارگران کارخانه خواهد شد. کارگران مبارز و آگاه ما بیبا با تماس داشمی تا کارگران قسمتها بطوریکه از جنم عوامل رژیم محفی بسامند، میتوانند با پیدا اتحاد کل کارگران را فراهم کنند و مبارزات دسته جمعی آنها را تدارک ببینند.

گزارشی از کارخانه سایپا

یورش سراسری و سرکوبگرانه رژیم ارتجاعی به انقلاب و حرکات حق طلبانه کارگران، در کارخانه سیتروشن (سایپا) بدنیال بگیر و بسنده های قبل از ۳۰ خرداد انجام شد.

قبل از این تاریخ که کارگران با یک حرکت عمومی ناراضی عمیق خود را از مدیریت عامل مکتبی رژیم بنام "کا توزیان" بصورت حرکت انفجاری کتک زدن و بیرون انداختن او از کارخانه صورت داده بودند، بدلیل اینکه اقدامی علیه مزدوران رژیم سرما به داری حاکم از طرف کارگران غیر متشکل یک کارخانه نبود بزودی با دستگیری ستر از ۳۳ نفر و بازجویی های بعدی از تعدادی دیگر از کارگران کارخانه و بخصوص با اخرج و زندانی نمودن تعدادی از آنان، سرکوب شده و تفرقه در میان کارگران سایپا بیشتر شد. این شرایط میباید مناسبی برای فعالیت های ضد کارگری و ارتجاعی رژیم و عملی در کارخانه از قبیل "انجمن اسلامی" شورای اسلامی و مدیریت وسیع کارخانه و سایر اقدامات کارگران سایپا که تا قبل از این دجا خوشبازی نسبت به حکومت بودند و این خوشبازی شان با



وجود جولیبرالی در جامعه - بخاطر تفاذبین جناح لیبرالها و حزب - نفیست میشد. اقدامات سرکوبگرانه رژیم پهلوی که ملاحظیه نه دیدند - دجا ریبهت زدگی شده و تا مدتها سکوت بر کارخانه حاکم شده بود.

تحت چنین شرایطی بود (در این کارخانه) که یورش عمومی رژیم به انقلابی و کارگران در ۳۰ خرداد شروع شد و بنا بر این اقدامات ضد کارگری رژیم و عمالشان در کارخانه از قبل تدارک دیده و موقوفه پیوسته بود. برای مثال ساعت کارگاه - ساعت ۴۰ تا ۴۰ دقیقه بود - ۴۲/۵ ساعت کار خالص افزایش داده و از ۳۰ خرداد به بعد به دو شیفت کردن همان تعداد کارگران قبلی میزان تولیدات تو میلیل رسو را از ۴۰ تا ۶۰ به ۱۰۰ تا ۱۲۰ دستگاه در روز رساندند و بنا بر این از یکطرف تعداد کارگران کارکن را در هر شیفت نصف کرده و از طرف دیگر میزان تولید را دو برابر نمودند - یعنی در واقع فشار کار را به کارگران بیش از دو برابر رساندند. این شرایط سخت کار را اغلب به بروز دعواهایی بین کارگران بخصوص بوسیله افراد کمین منجر میشد. کارگران سایا بخوبی می بینند که رژیم حاکم که فریب دماغ از مستضعفین و کارگران میزد چگونه با زهر چشم گرفتن از کارگران و سایر قرار کردن جو ترس و خفقان و بوسیله دستگیری و زندانی و اخراج و حتی اعدام نمودن کارگران مبارز کارخانجات قصد سو جوئی بیشتر و استثمار شدید تر و وحشیانه تری را دارد. و بدین ترتیب گرچه هر نوع مبارزات کارگران مواجه با شد رژیم ضد کارگری و ضد انقلابی جمهوری اسلامی میتودولی در عین حال ماهیت سرما به داری خود را به عموم کارگران آشکارا و بدون پرده نشان میدهد و در نتیجه خوش باوری عموم کارگران جز عناصر سرسپرده و عقب مانده آنها نسبت به رژیم از بین میرود.

انجمن اسلامی سایا، مرکز توطئه و جاسوسی

انجمن اسلامی سایا که از جزی ها و توده های منفور تشکیل شده است تعداد ۶۰ - ۷۰ نفر هستند این روزها بعنوان بکه تا زدر

کارخانه عمل میکنند و نقش درجه اول را دارند بطوریکه حتی مدیریت و بسیج و سپاه پاداران کارخانه (که ۸ نفر مسلح هستند) و شورای اسلامی همگی زیر علم انجمن و از طریق آن کارهای خود را پیش میبرند. انجمن اسلامی بطور علنی و فعال دست به هر کاری میزند و مسئله ای نیست که انجمن اسلامی از آن بی اطلاع باشد. انجمن نیات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را در کارخانه اجرا میکند و با بکار گرفتن روشهای متفاوت، تشدید استثمار کارگران، کاهش خواسته های اقتصادی و درآوردن آنها، جلوگیری از رشد آگاهی کارگران و ایجاد تفرقه در میان آنها و مانع از متشکل شدن آنها را هدف قرار داده است. انجمن اسلامی کارخانه از هر طریق که بتواند بوسیله زور و ترس و ارباب و بوسیله فریب با تبلیغات مذهبی سخنرانان حزب الهی و عمال رژیم ارتجاعی سعی در موفقیت خود دارد. انجمن اسلامی و مدیریت مخالفین خود را که در سرپرستی سرکارگری و مدیریت با شند، جابجا نموده و عوامل خود را جای آنها قرار میدهد، یا اینکه با ترساندن آنها و با استفاده از تفاذبین کارگران و این جماعت های سرمایه، سعی میکند آنها را مطیع خود نماید تا بلکه راحت تر به کمک آنها شیر جان کارگران را بکشد. انجمن اسلامی تاب تحمل کوچکترین مخالفتی را ندارد و عناصر فرصت طلب و ضد کارگری و لیبرالی را هم که در شورای ارتجاعی کارخانه وجود دارند چشم پندارند ببینند. گرچه شورای اسلامی و این عناصر لیبرال ماهیت ضد کارگری خود را مدتهاست به کارگران نشان داده اند و همیشه با انجمنی ها در سرکوب کارگران همکاری کرده اند ولی به دلیل اینکه حزب الهی نیستند از نظر انجمن اسلامی مبارز نیست برکنار شوند به همین خاطر انجمن قصد دارد یک شورای مد در حد حزب - الهی را بوسیله وزارت کار در کارخانه بوجود بیاورد. و اما کارگران در مقابل انجمن چگونه و در چه وضعیتی هستند. اول اینکه انجمن اسلامی منفور کارگران است و آت را بمعنی کامل کلمه لانه جاسوسی می شناسند. چرا که هر روزه با چشم خود می بینند که اعضای انجمن اسلامی در خط تولید و رستوران و غیره علنا ایستاده و حرکات و حرفهای کارگران را دیده و میشوند و گزارش میدهند. کارگران انجمنی ها را از خود نمی دانند و آنها را از میان خود طرد نموده اند. اعضای انجمن درین کارگزاران انگشت نما هستند و بطوریکه وقتی چند کارگر با هم صحبت میکنند که

محض دیدن یکی از افراد "انجمن جاسوسی" هم دیگر علامت میدهند که "انجمن آمد" یا اینکه "حزب الهی آمد" که این خود طرد عناصر انجمن از نظر کارگران نشان میدهد. نفرت کارگران از انجمن اسلامی بحدی است که کمتر اتفاق می افتد کسی با آنها مراجعه کند و یا اینکه با آنها وارد بحث شود و متقا بسلامت انجمنی ها هم دیگر برخلاف گذشته وظیفه آرشاد را برای خود قائل نیستند و خوب میدانند که دیگر دستشان برای کارگران روشن نشده و آرشاد آنها در کارگران موثر نیست. اعضای انجمن حتی جرات نمیکنند با سرویس کارگران به خانه شان بروند.

علاوه بر جاسوسی در بین کارگران و مرستان پاداران کارخانه برای دستگیری کارگران، انجمن اسلامی با بیاد دست به کارهای دیگری هم برای پیش برد اهداف خود میزند. برای مثال چند وقت پیش موقع نماز یک مرتبه انجمنی ها اعلام کردند که در "رستوران" سبب کار گذاشته اند و مانع آمدن افراد به محل رستوران شدند و وظایف را برای گشتن بدنیا ل بسبب بود است ولی کارگران می گفتند که این یکی دیگر از حیلله های انجمن اسلامی است که با این وسیله میخواهد گشتن لباس و اناشایه کارگران را توجیه کند.

آوردن سخنرانان حکومتی و آخوندان وسیله دیگری است که انجمن اسلامی بر علیه کارگران و برای فریب آنها بوسیله تبلیغات مذهبی بکار میبرد. اما با این وجود به غیر از تعدادی از کارگران عقب افتاده کسی جذب فریبکاری و حیلله های آنها نمیشود و ماهیت واقعی انجمن در نزد توده کارگران کارخانه و توطئه و خیانت شناخته شده است. کارگران با بیاد دیده اند که انجمن اسلامی افراد بسیج کارخانه را که ظاهرا برای رفتن به جبهه جنگ تعلیم نظامی دیده بودند ولی عملا برای سرکوب کارگران و نظا هرات خیا نانی نیروهای سیاسی و مردمی فرستاد. افراد بسیج که جمعا ۳۶ نفر هستند هر شب ۸ نفرشان برای گشت به اتوبان تهران - کرج ما موریت میروند و در همین نظا هرات اخیر ما هدیین خلق در پنجم مهر ماه (یکشنبه) بصورت مسلح به خیا نانهای شهر رفتند و یکی از آنها هم کشته شده بود. با این واقعیات کارگران سایا ماهیت واقعی انجمن و بسیج را به نفع خودشان و بلکه به نفع حکومتی سرما به داری حاکم میدانند.

نان، مسکن، آزادی

رویزونیسم آراسته پانوما ریف و بازتاب آن در میان سائتر یستها (۴)

مسئله دوران و گذار مسالمت آمیز

ما تا بدینجا ثابت کردیم که پانوما ریف دشمن دیکتاتوری پرولتاریا و دمکراسی پرولتاری بوده و شوروی امپریالیستی را تعریف نموده است. او با پوشاندن تضادهای عمیق سرمایه داری مالی امپریالیسم را مشاهده کرده و انقلاب پرولتاری را به نتیجه ناگزیر عصر امپریالیسم رانگی میبندد. پانوما ریف بر اساس خط مشی رویزونیستی - امپریالیستی خویش نمیتواند ضدیت خود با انقلاب سوسیالیستی و نیز با استقلال واقعی و آزادی راستین خلقهای جهان را به نمایش نگذارد. تنها کسانی میتوانند مدافع انقلاب پرولتاری و نیز استقلال و آزادی خلقهای ستمدیده به شمار آیند که دشمن سرخ را امپریالیسم باشند، تنها کسانی میتوانند پشتیبان انقلاب پرولتاریا و خلقها باشند که با بورژوازی و امپریالیسم مبارزه انقلابی بر خیزند. دشمنی با امپریالیسم به مبارزه انقلابی برای نجات پرولتاریا و برای رها شدن خلقها و نابودی اسارت خلقها می انجامد. حال آنکه پانوما ریف نه تنها مدافع و ستار امپریالیسم است، بلکه علاوه بر آن کار بر علیه انقلاب پرولتاری در کشورهای سرمایه داری است و ستیزی ملی و اسارت زحمتکشان کشورهای تحت سلطه را مورد تأکید قرار میدهد.

منجمله کشورهای تحت سلطه در میان او در نزد پانوما ریف مازش طبقه ای و ضدیت با انقلاب یک سیستم ایده‌ئولوژیک عمومی را تشکیل میدهد که اگر وجهی از آن در رابطه با کشورهای سرمایه داری قرار بگیرد وجه دیگر آن در رابطه با کشورهای وابسته مشخص میشود. به معنای دقیق‌تر اگر گذار مسالمت آمیز و پانوما ریف در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی به مثابه راه کسب قدرت و برقراری سوسیالیسم مطرح است، نیز رویزونیستی راه رشد غیر سرمایه داری، به مثابه طریق کسب قدرت و ستگیری بسوی سوسیالیسم برای کشورهای تحت سلطه طرح گردیده است. تز راه رشد غیر سرمایه داری یک تئوری نواستعماری برای به انقیاد در آوردن خلقها و سرکوب انقلابات رها شیبش ملل ستمدیده میباشد، کما نیکه مدافع این تئوری امپریالیستی هستند و راه کسب نیستند و هرگز و هرگز نمیتوانند پشتیبان انقلاب و آزادی خلقها باشند. با "راه رشد غیر سرمایه داری" یا راه انقلاب و آزادی؟ راه اول به انتخاب انقیاد و ستیزی و تشدید استثمار می انجامد و راه دوم به انتخاب آزادی و دمکراسی انقلابی برای توده‌ها منجر میشود. راه اول به تحکیم سرمایه داری و امپریالیسم و راه دوم به هموار ساختن پیروزی سوسیالیسم ختم میشود.

فدا انقلابیون بورژوازی بی‌شک نیستند. پانوما ریف همانند خروشیف‌ها و برژنف‌ها، رویزونیست خیانتکاری بی‌شکست و برخلاف "روپاهای شیرین" سائتر یستها، مدافع تئوری امپریالیستی "راه رشد غیر سرمایه داری" بشمار می‌آید. او از حقانیت جنبشهای آزادیبخش و انقلاب خلقها "و ضرورت رهبری طبقه کارگر صحبت میکند، اما در مثنی کردار طبقه ای خود ثابت می‌نماید که مدافع "راه رشد غیر سرمایه داری" استعمار و اسارت خلقهاست. ما در اینجا قصد آن نداریم که بر اساس نظریات تئوریکسهای رویزونیست روسی تز "راه رشد غیر سرمایه داری" را وسیعاً مورد نقد قرار دهیم. ما این وظیفه را که امری خطر و حیاتی بشمار می‌آید به آینه موکول می‌نماییم. اما در پی آن میباشد تا بطور مختصر نشان دهیم چرا تز "راه رشد غیر سرمایه داری" تزی قدامت رکیستی و امپریالیستی است و چگونه پانوما ریف علیرغم تمام عوام فریبی‌ها و مانورهایش بدان معتقد میباشد. تضاد انقلابی "راه رشد غیر سرمایه داری" پس از کنگره بیستم حزب شوروی در زمان نیکه جریان بورژوازی رویزونیستی به سرکردگی خروشیف مرتد قدرت رسید مطرح گشت قبل از نقادان تز "راه رشد غیر سرمایه داری" لازم است پیش درآمدهای شوریک آنرا مورد انتقاد قرار داد تا بتوان به روشنی به ماهیت امپریالیستی و رویزونیستی این تزی پی برد. و اما این پیش درآمدها کدامند؟

در سطح جنبش ما، تبلیغاتی وجود دارد مبنی بر اینکه پانوما ریف مخالف تز "راه رشد غیر سرمایه داری" است و همین تبلیغات نیروهای سائتر یستها پیگیر جنبش چپ را به وجد آورده است که با لایحه "جناح انقلابی" روس‌ها "برآمد" پیدا کرده و میتوان امید داشت که برخی اشتباهات و انحرافات گذشته "مرتفع گشته و با قاطعیت بیشتری، شوروی را به مثابه "مبشر آزادی خلقها به زحمتکشان نشان داد. در واقع سائتر یستها برای پوشاندن گرایشات رویزونیستی فزاینده خود، در پی کشف رویزونیسم انقلابی (!؟) میباشد. حال آنکه رویزونیسم رویزونیسم است و رویزونیستها علیرغم رنگهای گوناگونشان، دشمنان سوسیالیسم و انقلاب و

همانطور که در قبل مختصراً بیان داشتیم پانوما ریف در برخورد به کشورهای سرمایه داری امپریالیستی بر آن است که در این کشورها نه انقلاب قهر آمیز پرولتاریا نشی بر علیه بورژوازی بلکه همراه با بورژوازی مبارزه مسالمت آمیز با رولمانتاریستی بر علیه "حاکمیت انحصارات مطرح است. پانوما ریف در ادامه این خط مشی مازش طبقه ای معتقد است که در کشورهای تحت سلطه نیز میتوان بدون گذار از سرمایه داری و بدون انقلاب و جنگ طبقه ای به سوسیالیسم رسید. او مانند همه رویزونیستهای خروشیفی مازش طبقه ای و نفی انقلاب را فقط محدود به کشورهای سرمایه داری نمیکند، او این تفکر ضد انقلابی را بسط داده و آنرا به قانون - سدی عمومی تحولات جهانی و

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

سوسیا لیسیم دست یافت .
 رویزیونیستها مطرح میبازند قدرت فاشیست را در حرکت خود بشدت محدود ساخته و مرگزار مسالمت - آمیز تسهیل گشته است . از نظر آنها دهه شصت به سبب وزنه تمهین کننده شوروی و "تحت تاثیر قدرت رشد یافته سوسیا لیسیم" در کشورهای سرما به داری "جریبهای مثبت سیاسی" پدیدار گشته و به همین جهت امکان گذار مسالمت آمیز به سوسیا لیسیم در این کشورها فراهم گردیده است . از نظر آنها نه تنها با اتکا به "وقایت مسالمت آمیز" بین کشورهای سوسیا لیستی و کشورهای سرما به داری ، میتوان با زارهای امپریالیسم را تحت نفوذ و سلطه خود در آورد و امپریالیسم را شکست اقتصادی داد ، نه تنها برای اس "همزیستی مسالمت آمیز" بین اردوگاه سوسیا لیسیم و اردوگاه سرما به داری میتوان "سیاست صلح دائمی" را پیش برده و از حملتها و تهاجمات جنگ طلبانه امپریالیستها جلوگیری نمود ، بلکه علاوه میتوان از جنگ طبقاتی و انقلاب قهرآمیز خودداری کرده و با بدست آوردن اکثریت کرسیهای پارلمان بورژوازی بتدریج با وضع "قوانین مترقی و سوسیا لیستی" بورژوازی را از قدرت ساقط نموده و قدرت سوسیا لیستی را مستقر ساخت .

در همین رابطه خروشجف در گزارشی به کنگره بیستم چنین میگوید: "در انقلاب اکتبر در شرایط تاریخی زمان خودیگانه راه صحیح بود . ولی در حال حاضر وضع تغییر کرده و امکان دارد از طریق پارلمان گذار سرما به داری به سوسیا لیسیم انجام میگردد و یا "حرازا اکثریت در مجلس و تبدیل آن به ارگان قدرت توده و موجودیت یک جنبش انقلابی داخل کشور ، به معنای درهم شکستن ماشین نظامی و بوروکراسی بورژوازی و تشکیل یک دولت پرولتری نوین توده ای در شکل پارلمان است . "پا نوما ریف در تائید همین نظر میگوید: "پیدا شدن فرصت و احتمال موفقیت بسیار برای انقلابهای نسبتا مسالمت آمیز در واقع جدیدی که از دهه پنجاه شکل گرفته است . چنین انقلابهایی بدون قیام مسلحانه و نسبت به شرایط مشخص هرنا چه که متضمن بکار گرفتن تمامی اشکال مبارزه برای نیل به سوسیا لیسم است ، ممکن است بوقوع پیوندد . " (آموزش زنده و اخلاق مارکسیسم لنینیسم ص ۸۲)

همانگونه که ملاحظه مینمائیم خروشجف و پا نوما ریف تغییرات در توازن قوا را مستقیم قرار داده و از ماهیت سرما به داری و بورژوازی تجدیدنظر میکنند . پا نوما ریف از

این تغییرات نتیجه میگردد که تفادهای طبقاتی تخفیف یافته و بنا بر این مبارزه طبقاتی جای خود را به اشتی طبقاتی سپرده و بنا بر این قیام مسلحانه الزامی نیست . اما پراستی این تغییرات چیست ؟

پا نوما ریف از یک اصل حرکت میکند و آن اینکه دوران کنونی "دوران سوسیا لیسم" است و همانطور که در کتاب "سوسیا لیسم و اقتصاد" موجود و نقش و اهمیت بین المللی آن آمده پا نوما ریف مطرح میبازد شوروی "تجمع سوسیا لیسم" واقعا موجود میباشد و بنا بر این باید از نقش سوسیا لیسم بعنوان تکیه گاه اساسی صلح و نیروی عمده مبارزه و مقابله با امپریالیسم و سیاست تجار و زکا را نه و ضد خلقی آن ، صحبت نمود و بر این اساس اعتراف کرد که: "سوسیا لیسم واقعا موجود به عمل اساسی تکامل جهان تبدیل شده است . (تاکید زماست) به بیان دیگر در "دوران سوسیا لیسم" در موقعی که شوروی وزنه تمهین کننده را بخود اختصاص داده ، اما مل اساسی تکامل جهان "نه انقلاب و مبارزه طبقاتی بلکه تکیه بر شوروی امپریالیستی است"

اولین تحریف پا نوما ریف و رویزیونیستهای مرتد اینست که آنها با طرح "دوران سوسیا لیسم" در پی نفی انقلابات پرولتری میباشدند . از نظر ما کمونیستها و بر اساس ماتریالیسم تاریخی ، امری مسلم است که سرما به داری به سه مرحله گسسته خود یعنی امپریالیسم رسیده و محکوم به زوال و نابودی است . از نظر ما مارکسیست - لنینیستها ، امروز دوران تاریخی جهانی سرما به داری بسرآمده و تنها آلترناتیو انقلابی ، سوسیا لیسم است ، به بیان دیگر تنها سیستمی که مبین دوران تاریخی جهانی جدیدی در تکامل جوامع بشری بوده و میتواند جایگزین سرما به داری گردد فقط سوسیا لیسم است .

بنا بر این بطور عموم ، دوران تاریخی سوسیا لیسم آغاز گردیده است . دورانی که از طریق بسط انقلابات پرولتری و پیروزی آنها تنها کمونیسم به پیش میرود . اما مسئله بسیار اساسی و مهمی که نبا بسد فرا موش کرد اینست که ما همانطور که لنین میگوید کما کان در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری برمی بریم . بدین معنا که امپریالیسم عصر تاریخی اش به پایان رسیده لیکن هنوز مابا واقعت جهان کنونی وجود دارد و باید این واقعت ارتجاعی را از زمین برکنده و بجای آن واقعت درختان سوسیا لیسم را مستقر نمود . رویزیونیستهای مرتد چنین وانمود میبازند که گویا با انقلاب اکتبر دیگر شعار لنین کهنه شده ، عصر امپریالیسم پایان یافته

و انقلابات پرولتری لزوم خود را از دست داده است . حال آنکه چنین نیست . امروز ما در دوره ای بسر میبریم که امپریالیسم حیات و سلطه دارد و پرولتاریا و حمتکشان جهان آنرا با بدسرتگون سازند . لنین در کتاب "امپریالیسم به بالاترین مرحله سرما به داری" در پیشگفتار ۲۶ آوریل ۱۹۱۷ یعنی قبیل از انقلاب اکتبر مطرح ساخت: "امپریالیسم است و در پیشگفتار ۶ ژوئیه سال ۱۹۲۵ یعنی پس از پیروزی انقلاب نیز مطرح ساخت: "امپریالیسم است و انقلاب اجتماعی پرولتاریا است . این حقیقت از سال ۱۹۱۷ در مقیاس جهانی تا شید شده است"

در حقیقت انقلاب اکتبر نخستین ضربه مهلک علیه امپریالیسم و نخستین پیروزی درختان پرولتاریا در راه نابودی امپریالیسم و سرما به داری بود ، انقلاب اکتبر شکاف در سیستم جهانی سرما به داری بوجود آورد ، لیکن این امر بمعنای محورنا نبودی امپریالیسم و پیوسته تغییرنا میسر امپریالیسم و تغییر عصری که در آن بحر می بریم ، نبود . لنین در توضیح مقام انقلاب اکتبر مطرح میبازد: "ما اینجا را شروع کرده ایم و اما اینجا ، با چه موقعی و طی چه مدتی و پرولتاریای کدام ملت این امر را به سرانجام خواهند رساند ، مسئله اساسی نیست . مسئله اساسی آنست که بیخ از جا کنده شده و بحرکت درآمده است . جاده با زنده راه نشان داده شده است . . . نخستین انقلاب بلشویکی نخستین صد میلیون مردم روی زمین را از جنگ جنگ امپریالیستی و جهانی امپریالیستی بدر آورد . انقلابهای بعدی تمامی بشریت را از جنگ چنین جنگ جهانی بدرخواهند کشید (بمعناست چهار زمین سالگشتست انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ - تاکید از ما است)

بنا بر این تمام بحث لنین اینست که با انقلاب اکتبر ، انقلابات شروع شده اند و تخریب عملی جهان کهن آغاز شده است ولی این انقلابات و این تخریب با یاداد ما با بد . ما پیروان راه لنینیسم معتقدیم تنها آلترناتیو تاریخی در دوران معاصر سوسیا لیسم است ، ما معتقدیم امپریالیسم و سرما به داری وجود دارد و با یاداد از طریق انقلابات قهرآمیز توده ای بساط آنها را درهم کوبید ، ما برآنیم که عصر امپریالیسم است و "امپریالیسم است و انقلاب اجتماعی پرولتاریا است" و ما تمام پرولتاریا و خلقهای جهان را به ادا ما و بسط انقلابات فرا میخوانیم . اما امپریالیسم و رویزیونیستها میگویند "دوران سوسیا لیسم" است . اردوگاه شوروی

سوسیالیسم واقعاً موجود "میباشد" نیروی اساسی و تعیین کننده دوران است و بنا بر این انقلاب پرولتری و مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم لزوم خود را از دست داده است. رویزیونیستها میگویند "انقلابهای بعدی ضرورت خود را از دست داده زیرا شوروی نقش اساسی پیدا نموده بنا بر این کارگران جهان نه به قدرت خود، بلکه به قدرت شوروی با پیدا تکاء نمایند زیرا شوروی "ملح و آزادی" را برای کارگران به ارمغان میآورد.

پرواضح است، زمانیکه انقلاب سوسیالیستی در یک کشور پیروز میشود، پرولتاریای پیروزمند وظیفه دارد تا با تمام قوا علیه پرولتاریای کشورهای دیگر مدد و یاری رساند، انترناسیونالیسم پرولتری جز حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی همه جا نبوده از انقلابات چیز دیگری نیست. ولی مسئله مورد مشاجره اینست که آیا انقلابات در صورت وجود یک ویا حتی چند کشور سوسیالیستی منتفی میگردد؟ آیا کارگران و زحمتکشان خود دنیا بدون لانه در جهت سرنگونی بورژوازی و بنا بودی امپریالیسم به جنگ مسلحانه دست زده و انقلاب نمایند؟ از نظر ما رکیسم در عصر امپریالیسم از یک سو پرولتاریا و زحمتکشان باید برای انقلاب بیاخیزند، کار نونهای انقلاب و سوسیالیسم را گسترش بخشند و از سوی دیگر کشور سوسیالیستی با بدنبوبه خود به پشتیبانی فعال از این انقلابات برخاسته و امر بیشتر و پیروزی انقلاب جهانی را تسهیل نماید، اما این امر هرگز به این معناتیس که مبارزه طبقاتی و انقلاب توده ها نفعی با یدگردد.

دومین تحریف رویزیونیستها اینست که آنها میگویند انقلاب اکتبر در زمان خود درست بود، حال آنکه در شرایط کنونی جهانی فرصت و احتمال موفقیت بیشتر برای انقلابهای نسبتاً ممالمت - آمیز "بوجود آمده و از طریق پارلمان میتوان بسوسیالیسم رسید. تمام بحث لندن در باره امپریالیسم اینست که، امپریالیسم یعنی سرمایه داری گنبدیده، یعنی بسط ارتجاع سیاسی و یعنی تحکیم ماشین بوروکراتیک - نظامی. لنین میگوید: "وجه تفا بزا میریالیسم بیعت خلتیهای اساسی اقتصاد آن، حداقل ملحدوستی، حداقل آزادی و حدا کشرشد عمومی ملبیتا ریسم است. نفهمیدن این مطلب هنگامیکه مسئله گذار ممالمت آمیز یا قهرآمیز را بررسی میکنیم، در حکم کنترل به سطح مستذل ترین دست نشاندگان بورژوازی است (انقلاب پرولتری و کار شوتسکی مرتد). اما رویزیونیستها از آنجا

که مشاطه گرا میریالیسم میباشند، بجای بسط ارتجاع سیاسی و تحکیم ماشین دولتی و رشد ملبیتا ریسم بسط دمکراسی و دمکراتیزه شدن دولت امپریالیستی را میبینند و بجای تا کبدر انقلاب، گمخازار ممالمت آمیز را مطرح میباشند. رویزیونیستها تشدید تفا دههای طبقاتی را تخفیف تفا دههای طبقاتی حازده و بر این اساس دشمن طبقاتی را همدستان طبقاتی معرفی مینمایند. رویزیونیستها دولت بورژوازی بمثابه تجلی تفا دههای آشتی ناپذیری طبقاتی را نفی کرده و بنا بر این نه تخریب و انهدام قهرآمیز ماشین دولتی، بلکه استفاده از پارلمانا ریسم بورژوازی را مطرح میباشند.

مبارزه طبقاتی و انقلاب قهر - آمیز، قانون عمومی و بیشرفت جوامع بشری است، حتی بغرض محال اگر شوروی واقعا رش هنوز سوسیالیست بودند، انقلاب نمیتوانست نفی گردد، زیرا احاطه سرمایه داری و دژ امپریالیسم هنوز با برجا بود. انقلاب از طریق ممالمت آمیز بمثابه یک احتمال فقط در شرایطی میتوانست مطرح باشد که اردوگاه جهانی سوسیالیسم بطور اساسی و تعیین کننده در برابر اردوگاه سرمایه، قدرت قاشقه را تشکیل دهد و سرمایه داری کا ملا در محاصره سوسیالیسم قرار بگیرد. امری که در حال حاضر بهیچوجه واقعیت خارجی ندارد و حتی اگر تمام کشورهای سابقا سوسیالیستی هنوز در اردوگاه سوسیالیسم قرار میداشتند شرایط انقلاب ممالمت آمیز فراهم نبود. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، هنگامی که اردوگاه نیرومکند و درخشان سوسیالیسم و در اس آن شوروی سوسیالیستی برهمنبری رفیق استالین وجود داشت، در حالیکه این اردوگاه بنیان انقلاب جهانی پرولتاریائی را تشکیل میداد و از قدرت عظیمی برخوردار بود، رفیق استالین و احزاب کمونیست هرگز از "گذار ممالمت آمیز"، "انقلاب ممالمت آمیز" صحبت نکردند، زیرا واقعیت عینی جوامع، سطح تناسب قوا و سطح تکامل و پیشرفت انقلاب جهانی چنین حکم نمیکرد. و پرواضح است امروز که اکثر کشورهای سابقا سوسیالیستی مانند شوروی، چین، کشورهای اروپای شرقی و... به اردوگاه سرمایه داری جهانی ملحق گشته اند صحبت از "گذار ممالمت آمیز" "حزب تحریف شیا دانسه در مارکسیسم لنینیسم و یک دروغ پردازی فریسا را نه چیز دیگری نیست.

بدین ترتیب با نوما ریسم و ما پرورویزیونیستها روسی با طرح پیش درآ مدنتوریک خود مسمنی بر سوسیالیسم واقعاً موجود بمثابه "عامل اساسی تکامل جهان" دربی آند تا انقلاب سوسیالیستی را در

کشورهای سرمایه داری نفی نمایند آنها میخواهند خود را زنده عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری سپری شده و امروز دوران سوسیالیسم است. دورانی که سوسیالیسم امپریالیسم شوروی نقش قاطعی در سیر تحولات جهانی دارد و بنا بر این انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی در کشورهای سرمایه داری بمثابه یک اصل، ضرورت خود را از دست داده است

حال اگر رویزیونیستها میمرتد، گذار ممالمت آمیز سرمایه داری به سوسیالیسم را برای کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی مطرح میباشند، برای کشورهای تحت سلطه نیز راه رشد غیر سرمایه داری را طرح می نمایند. از نظر این خائنین به سوسیالیسم اگر کشورهای امپریالیستی از طریق گذار ممالمت آمیز و پارلمانا ریسم میتوانند به سوسیالیسم برسند، کشورهای تحت سلطه از طریق راه رشد غیر سرمایه داری "میتوانند به سوسیالیسم دست یابند. در واقع نیز رویزیونیستی "راه رشد غیر سرمایه داری مکمل تاز گذار ممالمت آمیز است. سوسیالیسم امپریالیسم شوروی مدافع اساسی و سرذکی تمام پرولتاریا و خلقهای جهان است و به همین لحاظ نه تنها با تاز رویزیونیستی گذار ممالمت آمیز پرولتاریای کشورهای امپریالیستی را به سازش طبقاتی و دفاع از سرمایه داری دعوت میکند، بلکه همچنین با تزنوا ستعما ری "راه رشد غیر سرمایه داری" کارگران و خلقهای کشورهای تحت ستم را به سازش طبقاتی و دفاع از بورژوازی و امپریالیسم فرا میخواند. و ما جوهر حقیقی تاز راه رشد غیر سرمایه داری کدام است و رویزیونیستها چه هدفتی از ارائه این تضاد انقلابی تعقیب میکنند؟

"ادامه دارد"

بقیه از صفحه ۱۳ رفیق شهید..... آنجا گرد آمده بودند، حمله میبردند، و آنها را زخمی میکنند و با رگبار گلوله و چوب و جماق ما شینهای آنها را در هم میشکنند.

باری رفیق مرگ سرخ را بر زندگی ننگین ترجیح داد و عاشقانه در برابر شکنجه های بیشتر ما نه دژ خیمان رژیم جمهوری اسلامی، مقاومت نمود و سرانجام سرافراز به پای جوخه اعدام رفت و جان خود را فدای راد سرخش نمود. مطابق برخی اخبار غیر موثق رفیق در زیر شکنجه به شهادت رسیده و رژیم بدروغ نام وی را "هز" تیرباران شدگان اعلام نموده است.

سپادش گرامی و راه سرخش با پیدا رساد.

اخبار مبارزات توده‌ها



بندرعباس بیورش از تجماع حاکم به دهکده‌اران زحمتکش!

بیش از پانزده روز است که حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی این دشمن خونی کارگران و زحمت‌کشان هجوم ددمشانه خود را به دهکده‌اران زحمتکش شروع کرده است.

و در این حملات مزدوران رژیم اقدام به تاراج و سائل دهکده‌اران و درهم شکستن دهکده‌های آنان کرده‌اند.

جریان از این قرار بوده است... اما جمعه بندرعباس حجت الاسلام حیدرزاده، دستوری مبنی بر جمع آوری دهکده‌ها صادر می‌کند، که این عمل توسط پاسداران اوپاش و حویر - خواران شهرسانی و شهرداری به اجراء می‌آید. این مزدوران در حمله به دستفروشان علاوه بر تاراج اجناسشان، دهکده‌هایشان را نیز بر سرشان خراب می‌کنند.

در تاریخ ۶/۲۲/۶۰ دهکده‌اران کنارگمرک توسط مزدوران رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی مورد حمله مغول و اقرار می‌گیرند و تنها وسیله امرار معاششان بزرگشان خراب می‌شود. بپیرمردی می‌گفت: "ای کاش خانه ما را خراب کرده بودند ولی محل کار ما را نه". و دیگری می‌گفت: "بمن میگویند، برو محل خودت کار کن، مگر ما خارجی هستیم، من هفت سر عاثلله دارم. مجبورم اگر این شهر نشد، بروم شهردیگر!

از طرف آستانداری بندرعباس اطلاع داده شده که جنگزدگانی که در خانه‌های چهل دستگا و ۲۲ بهمن میباشند، باید آنجا را تخلیه کنند. (الزام به گفتن است که بعد از جنگ خانمانسوز سرما به داریان، برخی از زحمتکشان جنگزده در این خانه‌ها ساکن شده‌اند.) جنگزدگان به حرفهای آستاندار مکتبی! اعتناش نکرده و میگویند که ما خانه‌نداریم و ما تا وقتیکه جنگ تمام نشده به خانه و کاشانه خودمان نمیگردیم و در این خانه‌ها خواهیم ماند.

حمله رژیم به خانواده زندانیان سیاسی

حدود ساعت پانزده تا پانزده و نیم رسیدیم به زندان که دیدیم عده‌ای شتابان بر می‌گرددند. حویر شدیم، معلوم شد که از صبح ساعت خانواده‌های زندانیان سیاسی به خیال اینکه عید است و شادان زندانیان را اجازه دهند فرزندان شان را ملاقات بکنند جلوی زندان اجتماع می‌کنند. بعد از اینکه تعداد خانواده‌ها زیاد می‌شود و همگی خواستار ملاقات فرزندان شان می‌شوند گویا ترس برشان می‌دارد و می‌گویند ملاقات نمی‌دهیم بیخود منتظر شوید. چند خانواده جنگزده با اصرار خواستار ملاقات می‌شوند که می‌گویند چون شما جنگزده هستید ملاقات می‌دهیم و بقیه را با تیراندازی هواشی و زدن با قنداق تفنگ از محصل دور می‌کنند و خلاصه بجای ملاقات گلوله تحویل مردم می‌دهند. مردم هم شایه بخاطر اینکه برای بچه‌هایشان بد نشود جلوی زندان را ترک می‌کنند و بر می‌گردند.

درس‌لوهای "ظالم آبله" رژیم چهمی گذرد؟

با رسیدن زمان انتخابات ریاست جمهوری، فشار شکنجه و تهدید زندانیان سیاسی برای کشانندن آنان بپای صندوق رای چندین برابر شده ولی انقلابیون در بند که بطور دسته جمعی و یکپارچه از دادن رای خودداری کرده‌اند تا تحمل و استقامت قهرمانانه خود را در محکمات بدشان جلادان حکومتی زده‌اند. از طرف دیگر وضع غذا و بهداشت زندانیان سیاسی بسیار نا مساعد است بطوریکه ۱۹ عدد نان برای ۹۰ نفر زندانی تعیین شده و از نظر درمانی حتی اگر مریضی شهاب از درد بخوبی جدا نه‌ای قرص مسکن برای تسکین درد داده نمی‌شود. انقلابیون اسیر بطور دسته-

جمعی و متحدان زادن رای خودداری کرده‌اند و برای همین، مورد شکنجه و آزار هر چه بیشتر قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر پاسداران خانواده‌های آنان را تحت فشار گذاشته و به آنان فحش و ناسزا می‌دهند و ملاقات خانواده‌ها را جلوگیری می‌نمایند، ولی برخورد انقلابی خانواده‌ها خود بهترین پاسخ برای آنان است. پاسداران با خشونت به پدری که از زندانیان می‌گوید: فرزندت سوراخ زنده و او با رضایت جواب می‌دهد: "فرین به فرزندم، اگر او برای شما رای میداد من خودم قلم‌ها را بشرا خرد می‌کردم و اگر آزاد می‌شد او را به خانه راه نمی‌دادم". اما بسینیم اکثریت‌های خاشن چه می‌کنند. دو تن از سردمداران این خاشنین در شیراز، بنام حشمت الله رشیدی و داریوش جعفری برای شناسایی و دستگیری کمونیست‌های واقعی و افراد مبارز و ما با عوامل رژیم تماس گرفته و با آنان همکاری می‌نمایند. خاشنین اکثریتی در زندان برای سرکوب زندانیان مبارز رژیم طرح‌ها را می‌دهند، شنگشان با د.

اجماعاً رژیم و مقامات ما نندهر جای دیگری در زندان نیز به قهرمانان شاهترین شکلی ادا می‌دارد. رژیمان بر شور و پر شورتر با د. در حمایت از کمونیست‌ها و انقلابیون در بند فریاد خود را بلندتر کنیم!

به نقل از خبرنامه محلی پیکار "شیراز"

درس‌گرم‌داریس

روز دوشنبه ۶۰/۲/۲۵ صبح به مدرسه پشاهنگ (در غرب تهران) خبر می‌رسد که یکی از هم‌واداران مجاهدین را رژیم جمهوری اسلامی اعدام کرده است. زنگ اول مدرسه بدلیل این خبر حالت عادی خود را از دست می‌دهد. در زنگ تفریح مسئول امور تربیتی سخنرانی می‌کند و مطرح می‌سازد که اعدام‌ها مورد تأیید ماست. در این موقع اکثر محصلین مبارزان را هو می‌کنند. بر اساس این جوا اعتراضی ساعت ۱۲ ظهر عده‌ای از محصلین مبارزان با شعار "محمل بی‌خیز همسنگرت کشته شد"، "اتحاد مبارزه، پیروزی"، "زنده و جاوید با دیا دشیدان خلق"، حدود ۱۵ نفر را بسیج می‌کنند و تظاهراتی - نمایند. علاوه بر محصلین شرکت‌کننده بیش از ۳۰۰ نفر محصل نیز از این اقدام مبارزاتی حمایت کرده و تاشید می‌نمودند.

در مدرسه گوهر پرور ۳۰۰ نفر را اسم‌نویسی نویسنده و دلیل این عدم اسم‌نویسی فعالیت سیاسی

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

ناراحتی و اعتراض را در میان مردم بوجود آورده است. شیراز:

رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی که بصر - فروخته است جز مرگ و بدبختی و فقر و فلاکت و در بدری برای مردم ایران نداشت است گزارش کوتاه یکی از رفقا از شیراز گوشه ای از این گرامات نکبت بار رژیم را نشان میدهد:

روز چهارشنبه ۲۸ مرداد جلوی بیمارستان حافظ (اورژانس) یک وانت بار در حالی که دوزخ در عقب آن بودند - ایستادند و اظهار کردند یکی از زنها به داخل اورژانس رفت و دیگر یکی عقب وانت ما نند جلورفتم خود را آتش زده بود. ششم عتی گذشت و از آن زن خبری نشد خلاصه با داد و حیاد رفتیم یک برانکار در گرفتیم وزن را در جا لبه فقط انگشتان پایش سالم مانده بود روی برانکار گذاشتیم به محض اینکه رفت از کتیرا و رزاسی در باره جزاها تا او پرسیدم گفت ۹۶ درصد سوخته است و خواهد مرد.

هنگامیکه بیرون بودیم از او پرسیدم چرا اینکار را کردی گفت جنگ زده هستیم. زیر یک چادر توی خاک و کثافت بدون هیچ وسیله ای در این گرما - شوهرم هم بیچاره است و هر روز مرا میزند از زود یک طاقت نیاوردم و خود را آتش زدم. آری جنگ برای مردم زحمتکش این مملکت جز مرگ، فلاکت، بدبختی و در بدری چیزی نیست. ارمان نیاورده است. تهران:

۶۰/۶/۱۴ در تقاطع پارک وی فرزندها سداران را نند یک تاکسی را که محاصره را بدون اطلاع سوار کرده بود (گویا با سداران از شهرک غرب دنبال فریدمعا شد بوده اند که وی سوار تاکسی شده است با سداران تاکسی را تعقیب کردند و در تقاطع پشت چراغ قرمز او را گرفتند.) زیر کتک و ضربات قنداق تفنگ گرفته زهرا و بقیه مردم در قبال فریادهای بگری بگری سداران که مجاهد را دنبال میکردند اعتنا نکرده و موفق به فرار گشته بود با سداران در حال فحاشی و کتک زنان راننده تاکسی را بردند در حالی که مردم با خشم و نفرت با سداران ارتجاع را مینگریستند می گفتند: واقعا که اینها روی گاردشاهها را سفید کرده اند.

اخیرا (در تاریخ ۶۰/۶/۱۵) حدود ۲۳ نفر از پرسنل شخصی شهری هوشی را که دارای افکار مترقی و تمایلات ضد رژیم بودند بعنوان مازاد بر احتیاج اخراج کرده اند در قسمت الکترونیک (قصر فیروزه) بقیه در صفحه ۱۱

میکنند. از طرف دیگر با اینکه در زندان تهفوس شایع شده بود و حتی بکنفرتادم مرگ رفته بود مسئولین اطلاعات با این مسئله توجهی نداشتند ولی از موقتی که قرار بود ملیب سرخ به باز زدن زندان بیاید مزدوران رژیم شروع میکنند به واکن زدن.

وضع بهداشتی زندان بسیار کثرت زندان بسیار روحشناک است شپش - کم غذایی - نبودن مکان برای خواب بیداد میکنند. وضعی که اردوگاه یهودیان در زمان جانان فاشیت هیتلری را بیاد می آورد.

در هفته آخر مرداد ۶۰ نفر از زندانین هوادار مجاهدین موقع هوا خوری موفق به فرار از زندان میشوند ولی چون محله رانسی - شناختند از منزل یک فالانتر سردر - می آورند که یک نفر از آنها در این خانه دستگیر شده ولی بقیه فرار میکنند. با سداران ارتجاع که برای بردن مجاهد زندانی آمده بودند. در حضور مردم کتک زیادی به او میزنند و او مردم میخواهند که اینگونه افراد را گرفته و تحویل دهند. یکی از بهیروزنهای محل در جواب میگوید: تحویل بدهیم که آنها را قربانی کنید؟ تا حالا به اسم اسلام صدها نفر را کشته اند کی میخواهد جوانهای مملکت را به جرمهای بوج اعدام کنند. با سداران رژیم سرما به که هوا را پس میدهند با جملاتی نظیر اینکه تونمی فهمی شورنداری و..... محل را ترک میکنند.

از تعداد ۱۵۸ نفر سبازی که جهت خدمت از همدان به کرمان نشاء منتقل شده بودند تا به جبهه های غرب اعزام گردند ۱۸ نفر به دلیل شناخت ما هیت خدا انقلابی رژیم از رفتن به جبهه سرما زدند و از پادگاه کرمان نشاء فرار میکنند. رشت:

اخیرا جلوی درگاه خانسه توشیبا در رشت، دار بست بزرگی درست کرده اند و توشیبا را روی آن نقاشی کرده اند که فقط خرج سیمان کاری آن حدود ۲۰ هزار تومان شده است گویا در آینده می - خواهند عکس خانه های مطهری و سایر سردمداران رژیم را نیز - نقاشی نمایند. سنقر:

اخیرا ۸۲ نفر از معلمین را اخراج کرده اند که علاوه بر معلمین انقلابی یک نفر بوده ای ۲۰-۳۰ نفر به بهانه اعتیاد، یک حزبی (احتمالا بدلیل اختلافات درونی شان) یک معلم مرده به علت داشتن سویی بلند جزو آنها بوده اند این با کمزری توسط رژیم، آموزش و پرورش - بنام داری - که فردی به اصلاح مکتبی و در واقع مزدور است صورت گرفته است اخراج این ۸۲ نفر موجهی از

معلمین بوده است. ناظم ارتجاعی مدرسه مطرح ساخته است هر کس انظباطی از ۱۵ به پایین باشد هیچ مدرسه ای اسن را نمی نویسد. رژیم ارتجاعی حاکم کوشش میکند با جوخه فغان در مدارس حرکت مبارزاتی معلمین را خفه سازد اما این کوششها تلاشهای مذبحانهای است نسبت به دانش آموزان مبارزین جوخه فغان را با گسترش اعتراضات و مبارزات توده ای درهم خواهد شکست.

چندی پیش آموزش و پرورش مردودت فراخوانی برای پذیرش معلم اعلام میکنند و از طلبین میخواهند برای توضیح شرایط پذیرش در آموزش و پرورش جمع شوند. در روز موعود جمعیت زیادی در محل گرد آمدند. شرایط پذیرش با این جملات آغا زشد: "۵ نفر ضد - انقلاب و ۵ نفر انقلابی را معرفی کنید." اجتماع کنندگان با شنیدن شرایط مذکور بی به حیل و نیبرنگ رژیم برده و هوکشان محل را ترک کردند.

اخبار و گزارشات

کرمان نشاء:

روز ۱۲ مرداد ماه در تنه نا نواشی شهرک آنا هیتا درگیری بین یکی از مشتریان و نا نواشی رخ میدهد. نا نواشی به همین علت کار را تعطیل میکند. مردم به ستاد بهزیستی میروند و به خواهی و نسی (یکی از مسئولین آوارگان که فردی حزبی است) رجوع میکنند. خواه میگوید سه الی چهار روز نا نواشی را میبندم تا سرو صدا بخوابد. بعد از ۱۵ روز چند نفر از پیر مردان سرشناس و متعهد محل پیش خواهی و نسی میروند و تقاضای باز کردن نا نواشی را میکنند و میگویند: در غیر این صورت با بد برای خرید ۵ تومان به شهر برویم و ۶ تومان کرایه بدهیم که روی هم رفته ۵ تومان نان، ۱۱ تومان برای نان تمام میشود. خواه و نسی در جواب میگوید باید نام و نشانی خدا انقلابیون را که در شهرک هستند بر اسمها و رید تا نا نواشی را باز کنیم اما چون مردم با این مزدور همکاری نمی - کنند نا نواشی همچنان بسته میماند توضیح: شهرک آنا هیتا یک شهرک نیمه تمام است در چند کیلومتری کرمان نشاء که در حدود ۱۵ خانوار آوارده در بدترین شرایط در آن زندگی میکنند.

صلیب سرخ بین المللی او از مرداد از زندان دیزل آباد کرمان نشاء دیدن میکنند. روزی که قرار بود آنها بیایند بجهه های زهر ۱۵ سال را به بهانه گردش و تفریح به خارج از زندان منتقل

یادرفیق شهید محمود حسینی مقدم (سعید) گرامی بلاد



دریک خانواده متوسط در شهرستان دماوند، سال ۱۳۳۶ متولد شد. رفیق دوران تحصیلات ابتدائی خود را در دماوند و در دوران دبیرستان پایتخت را سپری نمود. در این دوران رفیق تاحدودی به کتب مارکسیستی - لنینیستی آشنائی یافته بود و به مطالعات آن ها میپرداخت و سرانجام با عشقی که همواره به زحمتمکشان داشت، مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان آنها ایدئولوژی طبقه کارگر پذیرا گشت. پس از اخذ دیپلم رفیق در رشته ریاضی دانشسرای شیران به تحصیل پرداخت و در همین جا بود که بطور فعال به فعالیت های انقلابی و مبارزاتی روی آورد و با پیوستن فعالیتها را از تشکیل نمازگاه کتاب و عکس ویا ترتیب جلسات بحث در دانشسرا آغاز نمود. پشتکاری و شوری که رفیق در این فعالیتها از خود نشان میداد، موجب گشت که چندین بار از طرف ساواک تحت تعقیب قرار بگیرد. در رابطه با همین فعالیتها، رفیق چندین بار از جانب مسئولین دانشسرا به اخراج تهدید شد.

در همین دوران رفیق به سازمان پیکار و مواضع انقلابی آن گرایش یافت و سرانجام با پیوستن سازمان را بعنوان پیگیرترین سازمان کمونیستی، ارزیابی نمود و به صف هواداران آن پیوست. رفیق در دوران رژیم شاه خائن، پس از پیوستن به صفوف سازمان، فعالیت از هر زمانی به مبارزه پرداخت و هر جا که میتوانست در جنبش اعتراضی توده ها شرکت میجست و نیز در همین دوران اعلامیه های سازمان پیکار را در شهر دماوند و بخش میکرد. با شوری و صفنا شدنی این شعله های آگای را در میان توده ها و در محلات فقیرنشین شهر می پراکند و یا در کلیسه راهبیمائی ها و میتینگ ها که بر علیه رژیم ضد خلقی شاه برپا میشد فعالانه شرکت میکرد و لحظه ای از توده های تحت ستمی که در این جنبشها شرکت میجست جسته نبودند، جدا نمیشد و در کلیه حرکات تهرانی آنها، خود در صفوف جلو به نبرد میپرداخت.

رفیق بعد از پایان دانشسرا به تدریس در مدارس مشغول شد. در دوران تدریس خود، همواره در ارتقاء و آگاهی انقلابی و کمونیستی شاگردانش میخواند و در همین رابطه

پیوندی عاطفی و انقلابی عمیق میان خود و شاگردانش برقرار ساخته بود. بطوریکه وقتی رفیق محمود با شیوه دمکراتیک از بچه های کلاسش خواست که از عملکرد وی گزارشی بنویسند، آن ها با صداقتی انقلابی آنچنان تحلیلی از وی کردند که واقعا نیز شایسته آن بود. رفیق محمود، در همین دوران تدریس بود که با کمیته معلمین سازمان در ارتباط قرار گرفت و در این بخش تا هنگام دستگیری اش فعالانه و بیگیرانه به وظایف انقلابی اش ادا میداد.

سرانجام در تاریخ شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۶۰ رفیق در خانه اش مورد حمله مزدوران رژیم قرار گرفت، و به همراه همسرش و چند رفیق دیگر دستگیر شده در این خانه، رفیق شهید علیرضا سعادت (که با دنا مه اش در پیکار ۱۲۵۰ درج گردید) و رفیق ها شمرگرمی بودند که هر دو توسط مزدوران رژیم جلاد تیرباران شدند. مزدوران رژیم، در نیمه های شب به خانه رفیق، محمود حمله بردند و جز چند جلد کتاب به چیز دیگری دست نیاختند. مزدوران رژیم در این حمله و حسیانه مقداری از وسایل خانگی رفیق را نیز به بنما بردند و بدین ترتیب نشان دادند که او را دشمن حقیقی مفلو ها و همسانان آنها در تاریخ هستند.

سرانجام رفیق محمود پس از یک ماه تحمل شکنجه و زندان، در تاریخ ۲۲ خرداد ماه به همراه رفیق ها شمرگرمی (که به همراه وی دستگیر شده بود) و در کنار ۱۸ رفیق دیگر به پای جوخه های اعدام برده و تیرباران شدند.

خانواده رفیق در هفتمین روز شهادت رفیق و همزمان او، گرد آمده و با محمود و همزمانش را که همواره در قلب زحمتکشان زنده است، جاویدما ختند و با سرودها و شعارهای انقلابی، آرمان آنها را زنده نگه میدارند.

یادش گرامی و راهش پایدار باد!

بقیه از صفحه ۱۰ اخبار ۰۰۰۰
لیت مدرژی بود.
لیست ۸۰ نفره ای تهیه شده که قرار است از اول مهر حکم اخراج - شان صادر گردد.
بنا به اطلاع اخیرا (حدود یکماه) اداره ای بنا مخواست از جمهوری اسلامی در کلیه وزارت - خانه های رژیم دستگیر شده است که اعضای آن از بین کارمندان عضو انجمن اسلامی و یا افرادی چون امتی ها و روزیونیستها میباشند. این افراد که غیر علنی میباشند وظیفه جاسوسی و کنترل سایر کارمندان را به عهده دارند. در مقابل کارمندان که متوجه جنبش توطئه رژیم در این گشته اند با هوش - باری و همکاری یکدیگر به شناختن این مزدوران پرداخته و آنها را افشا و معرفی می نمایند.

ایلام:

۶/۶/۶۰: با مداد این روز رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی یک پسر بچه ۱۶ ساله را اعدام میکنند. وی که برای مهمانی از سزبه ایلام آمده بود در موقع دستگیری تمسنادی اعلامیه با خود داشت و رژیم سرما به که از هر جرقه آگاهی سخت میهراسد به جرم همراه داشتن تعدادی اعلامیه آگای هکرانه نوجوان ۱۶ ساله ای را به جوخه اعدام میسپارد. تنگ و نفرت بر رژیم.

در تاریخ ۶/۶/۶۰ حدود ساعت ۶ یک زن و چند بچه کوچک همراه با او در جلوی سپاه پاسداران ایلام با صدای بلند شعار مرگ بر خمینی میدهند. پس از چند دقیقه پاسداران ارتجاع آنها را محاصره کرده و به داخل سپاه می - برند که تاکنون از وضع آنها خبری نیست. از قرار معلوم علت این حرکت این بوده که پسر این خانواده در مرکز گشته شده بوده است. آشکار شدن ماهیت جنگ ارتجاعی دور رژیم ایران و عراق به مردم نشان داد است که گشته شدن فرزندان شان در جبهه نه بخاطر منافع آنان بلکه بخاطر میال پلید دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق است.

نمونه زیر با زهم افشاگر ماهیت ارتجاعی روزیونیستهاست که با تمام وجود در خدمت رژیم سرما به - داری جمهوری اسلامی و سرای سرکوب مردم فعالیت میکنند. در کرمانشاه یک توده ای با ساداری را که محصر کرمانی به ما هدیه - داداشه لومید دهد و سایر دستگیری با سادار مزبور - جا یلوسا نه به این خدمت توده ای - حویتن و گاه سداغ - ترازش بودن خود میسازد.

واقعا تجربیات خود توده ها چه خوب صحت نظر کمونیستهای واقعی که روزیونیستها را مزدوران سرما به و سرما به داران میدانند و همیشه ماهیت کثیف شان را افشا کرده اند نشان میدهد.

بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبرو استقرار حاکمیت شوراها

شصت و چهار سال پیش در اکتبر سال ۱۹۱۷ پرولتاریای قهرمان سراسر روسیه، با سرنگونی قهرآمیز بورژوازی اولین کشورشوراها را بنا داشت و دیکتاتور پرولتاریا را بنیان نهاد. این حادثه عظیم تاریخی بعد از کمون پاریس، از مهم ترین دگرگونیهای عصر سرمایه داری و بیابان آوردوران احتضار آن بود. رسالت فروریختن اولین سنگهای بورژوازی جهانی و بی ریزی اولین سنگ بنای دنیای نوین، به عهده پرولتاریای قهرمان شوروی قرار گرفت و پرولتاریای شوروی با رهبری حزب کمپارتلین، این رسالت را به بهترین وجهی پاسخ گفت. اینک دروازه های سرمایه داری گشوده میشود و استقرار دیکتاتور پرولتاریا، دنیای طراز نوین سوسیالیستی با عرصه حیات می گذاشت. آری، انقلاب کبیرا کتبرو، در واقع متعلق به تمامی کارگران و زحمتکشان جهان اولین (به یک معنی دومین) پیروزی درخشان آنان در ساختن دنیای نوین بود. پیروزی کارگران و حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان، که اینک در شوراها متبلور شده بود، بقول لنین، "به دمکراسی متعلق به اکثریت عظیم اهالی یعنی استثمارشوندگان و زحمتکشان چنان تکامل و توسعه ای داد که نظیر آن در جهان دیده نشده است." این حاکمیت ما هیئت شیا دانسه و ما لوسانه دمکراسی های بورژوازی را بر ملا نمود و نشان داد که "دمکراسی پرولتاریا یک میلیون بار دمکراتیک تر از دمکراسی بورژوازی و حکومت شوروی یک میلیون بار دمکراتیک تر از دمکراتیک ترین جمهوری بورژوا - شویست." این حاکمیت نشان داد که "شوراها با زمان بلاواسطه خود توده های زحمتکش و استثمارشونده هستند. ما زمانی هستند که این امر را برای آنان تسهیل مینمایند که خودشان دولت را بنا بر پایه های نوین بنیاد کنند و کارهای گشت و دو بالاخره این حاکمیت نشان داد که پرولتاریا در جهت نابودی نظام طبقاتی و معانعت از زحمتکش بورژوازی "برای درهم شکستن مقاومت بورژوازی، برای ایجاد رعب و هراس در دل های مرتجعین، برای حفظ انوریته مردم مسلح علیه بورژوازی و برای اینکه پرولتاریا بتواند دشمنان خویش را قهار سرکوب نماید"، به دیکتاتور پرولتاریا نیاز است.

آری، انقلاب اکتبر و سوسیالیسم حاکمیت شوراها را بنیادین، دومین تجربه حکومت کارگران بعد از کمون پاریس بود که با عرصه حیات گذاشت و به این وسیله ناقوس مرگ بورژوازی را در سراسر جهان بعد از

در آورد. اهمیت جهانی و تاریخی اکتبر تنها در پیروزی یک انقلاب خلاصه نمیشد. ما هیئت سوسیالیستی این انقلاب، آنگاه از تمامی انقلابات دوره های پیشین تاریخی در سراسر جهان متمایز نموده و همیشه دوران نوینی بود که این بنا بر یکسلی نظام طبقاتی، نظام استثمار و برودگی، نظام سرمایه وستم، با پدید آمدن کوبیده میشد. از این جهت این انقلاب نصیب توانست با مقاومت فشرده و متحد و یکپارچه و صدبار افزونتر امپریالیسم جهانی و بورژوازی داخلی و خارجی، در جهت نابودی حاکمیت شوراها، مواجعه نگردد.

گذرا از سرمایه داری به کمونیسم یک دوران تاریخی تام و تمام است. ما دام که این دوران سر نرسیده است، برای استثمار کارگران ناگزیرا میدا عاده قدرت با قسی میماند و این امید به تلاشهای برای اعاده قدرت مبدل میشود. استثمار کارگران سرنگون شده که انتظار سرنگونی خود را انداختند آنرا با ورنه میگردند و فکر آنرا هم به مخیله خود خطور نمیدادند. پس از نخستین شکست جدی با انرژی ده بار رشدیدتروبا سمیت و کپین و نثرتی مدبا و فزونتر برای عودت "بهشت" از دست رفته برای خاطر خواننده های خودی که آن زمان خوش و راحت میزیستند و اکنون "عوام - الناس" ایسان آنرا را به خانه خرابی و فقر (بابکارشاده) محکوم میمانند و نبردهای میزنند "ما زمانیکه حزبی چون حزب بلشویک در اس پرولتاریای شوروی و اندیشه ای چون بلشویسم را هنمای این حزب بود، ما عاده قدرت بورژوازی ممکن نبود. اگر پیروزی درخشان اکتبر مروهون رهبری صحیح پرولتاریای سراسر روسیه و حزب بلشویک بود و اگر این حزب به اندیشه ای مسلح بود که تاریخ عملی ۱۵ ساله ای را (۱۹۰۳ - ۱۹۱۷) با متنوع ترین اشکال مبارزاتی و در شرایط مختلف گذرانیده بود، که آنرا چون سنگ خارا سخت و پولادین نموده بود، مسلما و تا زمانیکه پرولتاریا و حزب وی بر این اندیشه مسلط بود، میتواند انقلاب را به جلو سوق داده و سنگرهای بورژوازی را یکی پس از دیگری فتح و نابود نماید و چنین نیز شد. انقلاب به رهبری حزب کمونیست و پیشروای بزرگ پرولتاریای جهان لنین و

سپس استالین پیش میرفت و جهان سرمایه داری را به وحشت مرگ و نابودی انداخته بود. انقلاب در سراسر جهان با الهام از انقلاب اکتبر و تحت تاثیر آن بالا میگرفت و دروازه های سرمایه داری را میکوبید اما پس از درگذشت استالین، به تدریج دشمنان نقابدار پرولتاریا، این رویزیونیستهای ضد انقلابی، بر حزب چپه شده و اینها رقلعه را از درون تسخیر نمودند. بلشویسم در معرض تهاجم و تاخت و تاز زهه جا شه روزیونیم نوپا قرار گرفت و رویزیونیسم خروشچی سمناوان و شوروی مسلط شد. حزب کمونیست با مصلحت شدن خاشنین به طبقه کارگر بر آن، تفسیر ما هیئت داده و به بزار نفوذ و حاکمیت بورژوازی بر طبقه کارگر، تبدیل شد. با تفسیر ما هیئت حزب به یک حزب ضد انقلابی و بورژوازی، مسلما دیگر بخشی از سوسیالیسم نمیتوانست مطرح باشد. ساختن سوسیالیسم در معرض تهاجم سرمایه داری نوپا قرار گرفت و سرمایه داری دولتی پا گرفت. ارزش اضافی به جریان افتاد و میلیونها کارگر و زحمتکش شوروی با ردیگر به امارت سرمایه داری مدند. حکومت شوراها به یک حکومت تمام عیار بورژوازی امپریالیستی تفسیر ما هیئت داد. آری بورژوازی پس از نخستین شکست جدی با انرژی ده بار شدت و وسای سمیت و کپین و نثرتی "مدبار فزونتر برای عودت بهشت از دست رفته... به نبرد دست میزنند" اما بورژوازی و امپریالیسم نمیتواند از سر نوشت محتوم خویش گریز داشته باشد. عصر ما، عصر انقلابات پرولتاریا عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، عصر گذار به دنیای نوین است. گوا اینکه این گذار بدلیل اهمیت تاریخی و پیچیدگی تطوران دردناک صورت گرفته و با کوشش و فرازونشیبها و شکست و پیروزیهای فراوان همراه است، گوا اینکه تجربه پیروزی اکتبر، زندگی و حیوانات چندین دهه ساله این انقلاب و سپس استحاله آن توسط سوسیالیسم - امپریالیستهای خروشچی و همپطور سر نوشت انقلاب چین پس از چندین دهه سال حاکمیت پرولتاریا، نشان میداد که این دوره گذار، بدلیل قدرت جهانی امپریالیسم و سرمایه داری، پس از پیچیده است. اما

زنده باد سوسیالیسم!











رفیق شهید اسماعیل حسن وند، سمبل نسلی از بلشویکهای جوان

شهر اقدام به جمع آوری کمک و امکانات از قبیل لباس، پتو، غذا و دارو نمود. پس از برپا نشی چادر کمپته جوانان مبارز مسجد - سلیمان جهت کمک به سیزدگان، همروزه با کوله باری از غذا و دارو و به همراه دیگر رفقای پس از عبور از کوههای صعب العبور (چراکه پل ها را آب برده بود) به کمک اهل نشینان بختیاری میشتافت و در کنار آن به کار آگرا هگرا - افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی در میان زحمتکشان سیزده نیز می پرداخت. بر اثر پشتکارش در این زمان از مسئولین حمل و نقل آذوقه... به روستا شد. پس از جریان سیل رفیق در انتخابات مجلس نیز نقش فعالی داشت و با تکثیر اعلامیه ها و تراکتهای فراوان در اتاقهای سی روزنه به کار میپرداخت بطوریکه تا مدتی از رفتن به مدرسه خودداری کرد.

با آغوش در اردیبهشت ۵۹ رفیق بهنگام تحویل گرفتن کارتن - نشریات بوسیله سبزه جهل و سرما به دستگیر میشود و علیرغم کم و تبلیغات دروغین رژیم در آن زمان که بچه های کمتر از ۱۸ سال را به سه ماه حبس محکوم می نمایند، پس از فشارهای زیاد به رفیق جهت پیدا کردن عامل فرستاده که - موفق میماند به یک سال حبس محکوم می گردد. رفیق ۶ ماه در زندان می گذراند و بدین آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق و از آنجا که زندان کاروان اهوادر نیز رس آتش توپخانه عراق بود، رفیق را که سنش کم و حبس سنگینی نداشت به همراه چند تن دیگر از رفقای هم سن و سالش آزاد میکنند دوران زندان رفیق را با زهم بدیده تر نمود و او از گوران مبارزه طبقاتی سر بلند بیرون آمده و این مبارزه بدیده تر به مبارزه طبقاتی روی میآورد. رفیق همچنان در تشکیلات رزدمی نماید بطوریکه یکی از مسئولین بسیار فعال بخش تبلیغات میشود رفیق که دیگر از این زمان به بعد کمونیستی حرفه ای گشته بود شبها با شعل های بیک در محل ها روان بقیه در صفحه ۱۸

را از طرق مختلف وارد شهر مینمود و دشمن را عا جزوزبون میساخت.

رفیق چنان علاقه به مبارزه داشت که با وجود حساسیت و وظیفه اش و توصیه مسئولین یکدم از پستی نمی نشست و خواهان کار مسئولیت های بیشتر بود، بطوریکه در برخی محلات نیز در تبلیغ و بخشش اعلامیه و شعارنویسی نیز به فعالیت های جدید دیگر میپرداخت. رفیق در تشکیلات رزور و بیشتر رشد مینمود و ارتقا می یافت بطوریکه مسئولیت های جدیدتری به عهده او گذاشته میشد.

رفیق پس از آن رابط "بیک" تشکیلات مجدلسیمان با تشکیلات مرکزی جنوب گردید و علاوه بر آن در تیم چاپ نیز سازماندهی شد و یکی از اعضای موثر تیم چاپ گردید. رفیق گاهی ۲۰ ساعت از شبانه روز را کار میکرد و ساعتها در خانه چاپ به چاپ نشریات محلی و اعلامیه ها میپرداخت و پس از آن راهی محلات میشد تا در توزیع آن نیز به دیگر رفقا کمک کند و بموقع نیز برای ارتباط گیری و رساندن بیک از شهر خارج میشد.

آری رفیق دیگر به معنای واقعی یک بلشویک بود، بلشویکی جوان که نرده های ترقی و تکامل ایدئولوژیک تشکیلاتی را یکی بعد از دیگری می پیمود. رفیق همیشه هر مسئولیتی را با آغوش با زولبهای خندانش می پذیرفت.

از خصوصیات با زرفیق ایمان عظیم و عشق آتشین به طبقه کارگر همراه با شجاعت و جسارتی بی مانند و روحیه شاد و باشاش وی میباشد. شایستگی اسماعیل را ندیده با شادکه روزی افسرده و غمگین باشد همیشه شاد و خندان بود و به پیروزی توده ها ایمان داشت و در راه مبارزه طبقاتی هرگز هراسی بخود راه نمیداد. در همه جا پیشقدم و پیشا هنگ بود.

در جریان سیل اخیر خوزستان (بهمن ۵۸) نقشی واقعا فعال داشت و در حالی که در روزهای اول رفقای بالای تشکیلات هاج و واج مانده بودند، رفیق دست بکارد، به کمک چند دانش آموز دیگر در محلات

درجا مع ما در این شرایط خیلی ها میمیرند و با مرگ روبه رو میشوند ولی مرگ همه آنها به یک شکل در محیط خود موثر نمی افتد. مرگ بعضی ها چنان سنگین است که به سنگینی قله البرز و شهادت رفیق اسماعیل از این نوع بود.

رفیق شهید اصلا عیال حسن وند در اسفند ماه سال ۱۳۴۲ در بیک خانواده کارگری و فقیر در دنیا آمد و فقر چنان از سروروی خانواده رفیق میبارید که وی را بجای شیر با آب جوش و نشاسته بزرگ کرده اند. جوش خانواده رفیق کاملاً سیاهی بود و رفیق از سن ۱۲، ۱۳ سالگی با سیاست آشنا شد و به مطالعه آثار صمد بهرنگی پرداخت. وی از اوائل جنبش توفنده توده ها علیه رژیم منحوس شاه در صف مقدم مبارزات مردم و بخصوص دانش آموزان بود و بطوریکه کمتر مبارزه ای و با تحمن و اعتما سی را خصوصاً در سطح مدارس میتوان سراغ داشت که رفیق نقشی فعال در آن نداشته باشد. رفیق در سال ۵۷ در جریان یورش دانش آموزان به دبیرستان ملی که ویژه بچه های مرفه بود "به آتش کشیدن دفتر مدرسه پهلوی" که مسئول آن اعتما بکن بود" و همچنین حمله به بانکها نقش برجسته و کاملاً چشمگیر داشت. بطوریکه پلیس فاشیست شاه برای دستگیری رفیق به خانه شان یورش برد. علاوه بر آن رفیق در ۲۲ بهمن ۵۷ که توده ها و نیروهای انقلابی به ژاندارمری شهر حمله کردند نیز حضور فعال داشت.

بعدها زقیام ۵۷ رفیق در مبارزات دانش آموزی مدارس سهم بسزایی داشت. بطوریکه رفیق از مسئولین بخش دانش آموزی تشکیلات هوادار مجدلسیمان و مسئولیت هسته دبیرستان خود "۱۷ شهریور" را داشت. در اوائل سال ۵۸ که دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر در مجدلسیمان تشکیل شد و یکی از رفقای فعال و خوب قسمت بخش دفتر بود که به کمک یکی دور رفیق دیگر مسئول بخش چندین محله بود. خلایقیت، استعداد و صلاحیتهای رفیق چنان بود که با گرفتن تشکیلات هوادار سال زمان بیکار در این شهر در نیمه دوم سال ۵۸ رفیق مسئولیت تحویل گرفتن نشریات را عهده دار شد.

رفیق گاهی ساعتها در زیر آفتاب گرم جنوب برای گرفتن نشریات نیرو صرف میکرد و در این زمان که بیش از ۱۵ سال نداشت با چنه نحیف ولی پراامانش کارتهای سنگین نشریات را حمل و نقل میکرد و آن را به گانال خاص خود میرساند علیرغم کنترل شدید و دقیق دروازه شهر، رفیق با زرنگی خاص نشریات

فنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار صدها کمونیست و انقلابی!

دسته جمعی اخیر در هفته اول تیر
ما رفیق اسماعیل با هشت تیمی
خود به هنگامی که نیمه شب برای
افشای و محکوم کردن اعدای
دسته جمعی مشغول شعار نویسی
بود دستگیر و پس از شکنجه های
فراوان و خونریزی ناشی از شکنجه
و در زیر مراقبت شدید در سحرگاه
شنبه ۲۰ تیر ما هاجلوجه اعدام
قرار میگیریم و با این که رژیم از او
خواستار بود که توبه کند و کتابت علیه
ما زمان خسود چیری بنویسد تا
آزادیش را با زیبا بدلیکن رفیق
حما به آفرین به داستان و حاکم
شرع فاشست "خزاشی و بهرامی"
"نه گفت و بلشویک وارد حالیکه
هنوز ۱۸ سالش تمام نشده بود جان
خود را نشا رطقه کارگرو توده های
زحمتکش میهنش نمود. رفیق را
دژخیمان همراه با یک مجاهد خلق
پس از اعدام با لباس خونینشان
به خاک می سپردند. پس از آن که خبر
اعدام رفیق در شهر پخش میشود
خانواده و بستگانش بهمراه توده -
ها رفیق را با جنگ و دندان از
زیر خاک بیرون آورده و بیس از
انجا مراسم با احترامی عمیق
به او آرمایشی و رابحساک
می سپارند. طبق برخی اخبار، رفیق
را وحشیانه شکنجه نموده تنش را با
سیگار روزانه بودند و دستش را
شکسته بودند و بدین ترتیب ،
بلشویکی جوان با جوهر کمونیستی
خویش ، استوار و سوار شدند بر ابر
سرب های داغ قامت برافراشت و
بانگای هی در آفتاب سرخ آرمان
سوسیالیسم ، آتش تیر را بر پیکر
سرش را ز کینه اش پذیرا گشت .
یادش جاودان و راهش
پایدار باد .

بقیه از صفحه ۱۷ رفیق ۵۰۰۰۰
بود چرا که بر اثر شرایط جنگ ارتجاعی
دیگر امکان کار عملی در روز میر
نبود و دیوارهای شهر را با شعارهای
کمونیستی رنگین می نمود و نودای
زحمتکشان را که از گزاشی و بیگاری
به تنگ آمده بودند بوسیله شعار
بر در دیوارهای شهر با کمک دیگر
رفقای پیش متعکس می ساخت . در ماههای
اخیر که نقش تبلیغات در تشکیلات
برسته تر میشود رفیق وارد تبلیغات
حرفه ای تشکیلات میشود و بیعلت
موقعیت حاصلش با "س. پ. به کار
می بردا زد و پس از تغییر و تحولات
ماهای اخیر و پس از فعالیت های
شبانه روزی اش در بخش "س. پ."
دوباره به تشکیلات "د. د. ب. بر میگردد و
مسئول هسته حرفه ای تبلیغات
در شعار نویسی و بخش اعلامیه
میگردد. فعالیت های پیگیر و
خستگی ناپذیر رفیق خواب را از
چشم هردشمن بروده و بسی شبها که از
تیررس گلوله های دشمن گریخته
بود. در شرایط اوج گیری جنبش
توده ها رفیق به کمک دیگر رفقا
در شکستن جواختناق شهردارهای
اخیر نقش عظیم داشت و در یک ماه
اخیر "در اردیبهشت ماه ، به هنگامی
که در یک نیمه محافظ از دیگر رفقای
فروش و بخش محافظت می نمود برای
رهاشی یک رفیق از دست حزب -
الهی ها درگیر میشود که موفق به
نجات رفیق پخش شده لیکن خودش
رفیق اسماعیل دوباره دستگیر
میشود و به شدت مورد ضرب و شتم
حزب الهی ها و افراد بسیج قرار
میگیرد لیکن چون از رفیق مدارکی
بدست نیامده بودند فردای آن روز او را
آزاد میکنند. رفیق در حرکت های
توده ای اخیر و جریان ۳۰ خرداد
بسیار فعال بود و پس از اعدام های

بقیه از صفحه ۱۵
ما شهر:
ب ۱۱۱۰۰۰
م معلم ۵۰۰۰
ب بیکار ۱۱۰۰
ع کارمند ۴۰۰۰
ش کارمند ۵۰۰۰
م معلم ۲۲۰۰۰
ه - کارمند ۵۰۰۰
ه مجدی ۱۰۰۰۰
ش کارمند ۲۰۰۰
پ بیکار ۲۰۰۰
د - معلم ۱۰۰۰۰
م معلم ۱۰۰۰
صا فرکارمند ۳۰۰۰
د - کارمند ۲۰۰۰
ز - کارمند ۹۰۰۰
ف کارمند ۲۰۰۰
ر کارمند ۱۰۰۰
ح. د. کارمند ۳۰۰۰
زن خانه دار ۲۰۰۰
خانواده هوادار
سلا کارگزار نشسته ۱۵۰۰۰
رفقای رزمی ۲۵۰۰
عقاب کارگر ۳۰۰۰
۱- اردبیل ۳- ۱۷
۲- بوشهر - ر - فا از حاصل کار
مداوم و صرفه جویی برای روزمبادای
ما زمان ۲۲۳۶۰۰ ریال
۳- رامهرمز - رفقای د. د. ۲۳۲۰۰۰ +
یک سکه ریح پهلوی + ۳۰ لیتر
بنزین + ۵۰۰۰
۴- بهبهان - د. معلم آواره ۵۰۰۰
۵ - سر بندر - آواره محرمه ۲۰۰۰ س.
دیپلمه بیکار ۱۰۰۰
۶- آغا جاری - رفقای د. د. ۸۳۶۰۰۰ +
۷۰۰۰۰ + ۲۹۰۰۰ + ۲۱۰۰۰ + ۱۰ لیتر
بنزین



درد بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

بقیه از صفحه ۲۰ شهادت ۰۰۰۰
منطقه از لوٹ وجود این مزدوران
بود و سرانجام در مبارزه علیه
مرتجعین در تاریخ ۶۰/۶/۱۱ با
گلوله مزدوران به شهادت رسید و
خون خویش را و شقه‌ها شش
زحمتکشان نمود.
بیادش را با ادا مراهش
گرامی بداریم.



رفیق پشم‌رگ شهید
زرگارش‌خ الاسلامی

رفیق در سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ای
متوسط در شهر مریوان بدنیا
آمد در همان اوایل جوانی تحت
تأثیر جوسوسی‌ها خانواده‌ها مثل
سیاسی آشنائی پیدا کرد. در سال‌های
قبل از قیام یکی از عناصر فعال
جنبش دانش‌آموزی بود، وی به‌مراه
دیگر همفکران خود اعتراضات دانش-
آموزی را علیه رژیم ارتجاعی شاه
سازماندهی میکردند و در اعتراضات
و راهپیمائی‌ها و میتینگ‌ها که با عت
جلب مردم بطرف انقلاب میشد، شرکت
فعال داشت. رفیق همچنین از
سوی ساواک نیز تحت پیگرد قرار
داشت.

رفیق در بحبوحه مبارزات توده
-ای در سال ۵۷ با چند تن دیگر از
رفقای خود برای سازماندهی
مبارزات دانش‌آموزان و پیوند آن
با جنبش توده‌ای، گان‌ون
مریوان را بوجود آوردند. گان‌ون
برای شرکت‌های بیدریغ رفقا
یکی از مراکز مهم تجمع و تشکل
دانش‌آموزان گردید. رفیق به
همراه دیگر رفقا در گان‌ون برای بالا
بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان و
نیز توده‌های مردم از تمام
امکانات موجود مانند چاپ نشریه
اعلامیه، اجرای نمایشنامه،
سرگزاری نمایشگاه و در شرکت‌کردن
کتابخانه‌ها و نیز شرکت عملی در
کارهای دسته‌جمعی استفاده
میکردند. و در عین حال رفیق در
نمایش نزدیک با اتحادیه دهقانان
بود و در کوچ تاریخی مردم مریوان

نقش فعالی داشت.
رفیق در بوش ۲۸ مرداد ماه
۵۸ که همراه چند تن دیگر دستگیر شد.
که بعد از آزاد شدن دوباره فعالیت
مبارزاتی خود را از سر گرفت و در
همین اوایل با تشکلات پیکار
سازمان‌سنندج تماس گرفت و بطور
فعال در جنبش دانش‌آموزان علیه
حضور مزدوران رژیم در شهر شرکت
میکرد.

بعد از آزاد شدن شهرها رفیق
فعالیت خود را در گان‌ون محصلین
مریوان ادا می‌داد که در اجرای
نمایشنامه ۹ شهید و نیز چندین
نمایشنامه دیگر شرکت فعالی داشت
و در عین حال در بخش نشریات
و اعلامیه‌های سازمان و نیز تبلیغ
مواضع سازمان نقش بسزائی داشت
رفیق مدتی در شهر سنندج
بیشتر که بود در جریان جنگ یک‌ماهه
مریوان در "بنگه‌ها" به فعالیت
پرداخت و مدتی بعد از تخلیه شهر
به پیشمرگان پیوست.

رفیق در مدت زمانی که
بیشتر که بود در کارهای عملی و
سیاسی شور و شوق زیادی از خود
نشان میداد و در بالا بردن سطح
آگاهی سیاسی و تئوریک خود و
دیگر رفقای پیش‌گوشا بود. رفیق برای
مدتی در جمع مسئولین مقرر جمع
مسئولین آموزشی سیاسی پیشمرگان
"بدل" شهید گریب بود.

سرانجام رفیق در درگیری با
نیروهای مزدور و مکررات و زرگاری
در منطقه گان‌مباران در حالیکه در
اول جنبه بود به شهادت رسید.
بیادش گرامی باد!



رفیق پشم‌رگ شهید
ارسلان خلیلی

رفیق ارسلان خلیلی در سال
۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتکش در
شهر سنندج متولد شد. او در تمام
طول زندگی کوتاهش با در درون
زحمتکشان آشنا بود، از همین رو
برآمدنش انقلابی در سراسر
ایران با وجود سن و سال کم، بطور
فعال در مبارزات دانش‌آموزان،
در نظرات، اعتراضات، بخشش

اعلامیه و ۰۰۰۰ شرکت جست. بعد از
قیام با اوگیری مبارزات توده‌ها
در کردستان همراه دیگر رفقای خود
در ایجاد بنگه‌های عملیات در سنندج
نقش فعال داشت و یکی از فعالین
بنگه "سازمان" بود. شایستگی
و جرات و شجاعت انقلابی رفیق به
حدی بود که از همان ابتدا بعنوان
مسئول کمیته نظارتی بنگه انتخاب
شد. وی در دوران فعالیتش در "بنگه"
با شور و علاقه‌ای فراوان به آموزش
نظامی افراد "بنگه" و محصلین
میپرداخت. رفقا و دوستانش در
"بنگه" خاطر فداکاری‌ها و مصروف
حوصله رفیق را در آموزش‌های
نظامی و... فراوان نخواهند کرد.
با شروع بورش ضد انقلابی
رژیم به کردستان در بهار ۵۹ کاک
ارسلان بعنوان یک پیشمرگ انقلابی
دو نوبت مبارزه با پیشمرگان در مقاومت
حما به آفرین ۲۳ روزه مردم مبارز
سنندج در مقابل بورش وحشیانه
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
شرکت فعال داشت و بهنگام خروج
پیشمرگان از شهر، رفیق به‌صفت
پیشمرگان سازمان پیکار پیوست و
تا لحظه شهادتش در سنندج سازمان
علیه سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
و نیروهای سرکوبگر طبقه سرمایه-
دار و در خدمت آرمان طبقه کارگر
پیکار نمود.

رفیق ارسلان نمونه‌کاملی از
یک پیشمرگ انقلابی و کمونیست
بود و شور و شوق مبارزاتی، صداقت
انقلابی، شجاعت و جرات رفیق
در درگیری‌های نظامی از صفات
بارز او بود و همین خصوصیات رفیق
را از محبوبیتی خاص در نزد رفقای
سازمان و زحمتکشان منطقه
گان‌مباران و "اروود" برخوردار
کرده بود. مقامات قهرمانانه رفیق
به‌مراه ۹ تن دیگر از هم‌زمانش
در درگیری "گوله‌ساره" با یک ستون
عظیم زارتش و جاش و پاسدار در
زمستان ۵۹ افتخار آفرین بود. در
این درگیری رفیق پس از آن که تا
آخرین فشنگ مقاومت میکنند در
حالی که بر اثر اصابت دو گلوله (یکی
به سر و دیگری به ران) زخمی
گردیده و همراه ۴ رفیق دیگر در محاصره
دشمن قرار گرفته بود، وصیت‌نامه‌ای
که به خویش آغشته شده بود می‌نویسد.
این وصیتنامه که بعد از زینت بخش
صفحات نشریه پیکار ۱۳ آبان نیز
گردید عمق کینه طبقاتی وی را
نست به دشمن و عشقش را به آرمان
پرولتاریان نشان میداد. او در لحظاتی
که سگرتش آماج گلوله‌های دشمن
بود و آخرین فشنگ را برای خود
نگه داشته بود، در دفترچه خون-
آلودش نوشت:

..... دشمن به ما رحم نمی‌کند
ما هم نباید به دشمن رحم کنیم.
مبارزه طبقاتی یعنی بی‌رحمی به
دشمن. من افتخار میکنم که مرگم
در خدمت آزادی طبقه کارگر و
بقیه در صفحه ۶!

شهادت سه رفیق پیشمرگه قهرمان در کامیابان، بیگن دیگری از جنایات حزب دمکرات و مزدوران زرگاری:

خلق کرد در مبارزه قهرمانانه! ش
در دو سال و نیم اخیر، فقط دشمنان
آشکارا و پنهانی نظیر رژیم جمهوری
اسلامی را در برابر خود نشانده
است، بلکه دشمنان دوست نمایی
که در صفوف وی رخنه کرده اند، نیز
همواره خنجریدست، آماده وارد آوردن
ضربه بر پیکر خونین اما استوار این
خلق دلیر بوده اند. حزب دمکرات
کردستان، در پوشش طرفداری از
سنا فح خلق کرده موارد مترصد
وارد آوردن ضربه جدیدی بر جنبش
انقلابی کردستان، بوده است و این
ضربات را به اشکال مختلف و پیوسته
در لحظات حساس و خطیر بر پیکر آن
وارد آورده است. جنایات مزدوران
این حزب در کردستان نسبت به
نیروهای کمونیست و ناپسندگان
واقعی جنبش انقلابی کردستان،

گوشه ها شای از این ضدیت دیرینه
طبقاتی "حزب" نسبت به منافق
کا رگران و زحمتکشان و خلقهای
تحت ستم و نیروهای آگاه کمونیست
را به نمایش میگذارد. همین یکسال
پیش بود که این حزب در بوکان با
تتهاجم ضد انقلابی اش به مقر ما زمان
در این شهر، ۳ رفیق قهرمان ما را
به شهادت رسانید، تعداد زیادی را
دستگیر نمود (که بعداً تحت فشار
توده های خلق کرد و نیروهای
انقلابی آزاد گردیدند) و اموال
مقرران به غارت برد. و اکنون آخرین
و تا زه ترین خیانت و جنایت این
حزب در مقابل و ضدیت با نیروهای
انقلابی کمونیست در کردستان
تحمیل یک درگیری مسلحانه
بهمراه ضد انقلابیون زرگاری، به
ما و رفقای کومله در منطقه کامیابان

بود که منجر به شهادت ۳ رفیق
پیشمرگه از ما زمان ما و چند رفیق
پیشمرگه از کومله گردید. اکنون
رفقای قهرمان به همراه دیگر
پیشمرگه های دلاور دوسا زمان
با مقاومت و تعرض متقابل خود در
برابر بیورش ضد انقلابی این
اشتلاف نامقدس، نشان دادند که
در برابر هر تهاجمی به منافق خلق
کرد و از آن جمله نیروهای انقلابی
واقعی جنبش مقاومت، قهرمانانه
ایستادگی مینمایند. رفقای
پیشمرگه شهید، رفیق زرگاری -
الاسلامی، رفیق ارسلان خلیلی
و رفیق اسدلوواتی، سه رفیقی
بودند که در این نبرد قهرمانانه
مقاومت کردند، جنگیدند و سرانجام
جان باختند.
با دورا هتسان گرامی باد.



رفیق پیشمرگه شهید
کاله اسدلوواتی

رفیق اسد در سال ۱۳۳۹ در یک
خانواده کارگری در سنندج بدنیا
آمد. بعد از تفرغ و تکمیل تحصیلات
رفیق در حین تحصیلش از طریق
کار کردن بخشی از مخارج خانواده
را تأمین میکرد و بدین جهت از
نزدیک با در دوران زحمتکشان که
خود از میان آنها برخاسته بود آشنا
بود. رفیق اسد با اوگیری مبارزات
خلقهای ایران در سال ۶۰ با
مسائل سیاسی آشنا شد و در تظاهرات
و راهپیمایی قبل از قیام علیه رژیم
جلاد پهلوی نقش فعالی داشت و
نیز یکی از پیشاهنگان جنبش
دانش آموزی در سنندج بود.
عشق و علاقه بی پایان رفیق
به زحمتکشان وی را وادار میکرد که
هر چه بیشتر به آنها نزدیک شود و به
میان آنان برود و یکدم از کار

آگاهان در میان آنان کوتاهی
نمیکرد.

بعد از قیام بدنیا آمد اوگیری
مبارزات زحمتکشان کردستان، رفیق
همچنان به مبارزات خود ادامه
داده و در راهپیمایی مردم سنندج
بطرف بیرویان نقش فعالی داشت
هنگام بیورش ضد انقلابی رژیم
کردستان در مرداد ماه ۵۸ و مقاومت
انقلابی خلق کرد، رفیق در شرایط
خفکار رژیم در شهرها به ضرورت هسته
های نظامی پی برد و با کمک
دوستانش در سبب گذاری مراکز
جاسوسی شرکت فعالی داشت و در
ادامه آن در حمله به استان کردستان
محل استقرار مزدوران بود رفیق
فعالانه شرکت نمود.

بعد از شکست رژیم بیورش خود
و با زین گرفتن شهرها رفیق در
ادامه فعالیت خود به ضرورت کار
تشکیلاتی پی برد و در این رابطه
با قبول خط مشی سیاسی و تشکیلاتی
ما زمان بیگنا با هواداران ما زمان
تماس گرفت و بطور علنی در دفتر
ما زمان در سنندج به مقاومت
پرداخت. سپس بنا به درخواست خود
و عشق و علاقه فراوان به کار
پیشمرگه ای به صفوف پیشمرگان
ما زمان پیوست.

بعد از مدتی رفیق بنا به یک
وظیفه تشکیلاتی بهمراه دسته ای
از پیشمرگان به سقز اعزام گردید،
انتقال رفیق همزمان بود با
درگیری شهر سقز که رفیق همراه با
پیشمرگان ما زمان و مردم مبارز
شهر به مقاومت در برابر تهاجم
مزدوران رژیم پرداختند. بعد از
تخلیه شهر توسط پیشمرگان بعد از
مدتی به منطقه کامیابان منتقل
گردید و در آنجا هم در درگیریهای

نظامی شرکت فعال مینمود. رفیق
یکی از پیشمرگان جسور و شجاع
ما زمان بود که همواره در صف
مقدم جبهه بود و در ضمن رفیق
مخصوصاً در عملیات تارننگ اندازی
مبارت خاصی داشت. توانائی های
رفیق و عشق و علاقه وی
زحمتکشان موجب شد که ما زمان در
شهر بورما ۵۹ وی را بنا به یک
وظیفه تشکیلاتی به بلوچستان
بفرستد. و در آنجا رفیق در مبارزات
خلق بلوچ شرکت نموده و به ارتقاء
نظامی هواداران و عناصر تشکیلاتی
ما زمان پرداخت و بیوند عمیقی
با زحمتکشان برقرار نمود.

رفیق در بلوچستان با اسم
مستعار حسین فعالیت مینمود.
بعد از ۸ ماه رفیق دوباره به
کردستان بازگشت و در منطقه
کامیابان به فعالیت مبارزاتی
خود ادامه داد و بعد از توانائی هائی
که داشت در یکی از حوزه های سازمانی
سازماندهی شد، بطوریکه چشم انداز نزدیک
کاندید عضویت را داشت. خصوصیات
انقلابی رفیق درس و تجربه ای بود
برای دیگر رفقای پیشمرگه ها
شده ای، کار آگاهان که با توده ها
و متانت و انضباط بیرونی رفیق
همواره زبا نزدیک رفیق پیش بود.
صداقت، جسارت و خستگی ناپذیر
بودن رفیق در امر مبارزه، برخورد
انقلابی به انتقادات خویش موجب
شده بود که رفیق در میان دوستانش
چهره محبوبی به خود بگیرد.

هنگام شروع درگیری با
مزدوران زرگاری - دمکرات در
منطقه کامیابان رفیق یکی از
پیشمرگان بود که همواره روحیه
تعرضی داشت و خواهان پاکسازی
بقیه در صفحه ۱۹

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق